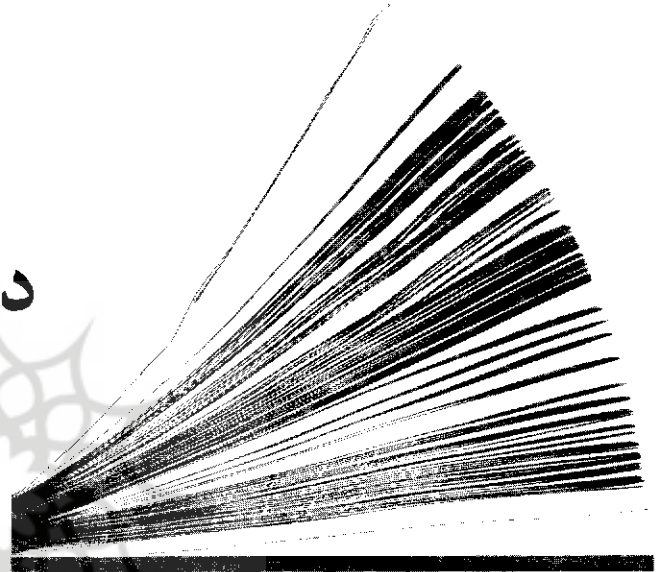


## مقاله

# امامان شیعه در دایرةالمعارف اسلام

مهرداد عباسی  
سیدعلی آقایی



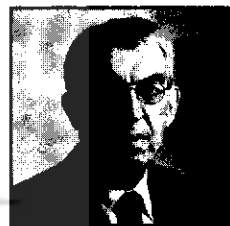
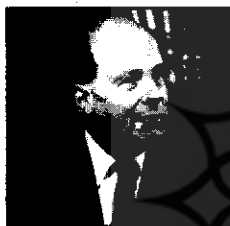
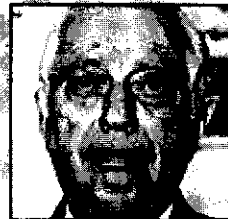
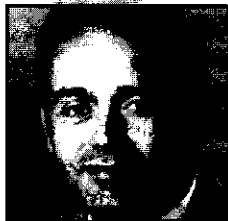
## دایرةالمعارف اسلام

در ۱۸۹۵ میلادی دانشگاه لیدن هلند که در سده‌های اخیر، از مراکز مهم مطالعات اسلامی و شرقی بوده، با همکاری اتحادیه بین‌المللی آکادمی‌ها و نیز آکادمی سلطنتی هلند برنامه‌هایی را برای تدوین و چاپ همزمان دایرةالمعارف جدی و مفصل اسلام به سه زبان انگلیسی، فرانسه و آلمانی آغاز کرده‌است. نخستین مسئول این طرح، تئودور هوتسما از دانشگاه اوترخت هلند بود که در ۱۹۲۴ جای خود را به ونسینک داد. نخستین جزوات طبع آلمانی که حاصل همکاری خاورشناسان و اسلام‌شناسان بیشتر غیرمسلمان بود، در ۱۹۰۸ انتشار یافت و جلد چهارم و آخر آن در ۱۹۳۴ منتشر گردید. طبع انگلیسی این دایرةالمعارف نیز در فاصله سال‌های ۱۹۱۳ تا ۱۹۳۸ در قالب چهار مجلد اصلی و یک جلد ضمیمه به چاپ رسید. این مجموعه که با همکاری مشهورترین خاورشناسان غربی همچون آرنولد، بروکلیمان، کارادوو، گلدتسیهر، گیب، ماسینیون، نیکلسون، ونسینک و برخی از اسلام‌پژوهان شرقی فراهم آمد، حاوی بیش از نه هزار مدخل الفبایی بود که در بیش از پنج هزار صفحه اطلاعاتی را در همه زمینه‌های تاریخ و جغرافیا و تمدن و علوم و عقاید و مذاهب اسلامی و اقوام و فرق و مشاهیر مسلمانان عرضه می‌کرد که در نوع خود مجموعه‌ای بی‌نظیر و بی‌سابقه محسوب می‌شد. اگر چه اعتبار و اتقان علمی این دایرةالمعارف گاهی به شائبه غرض‌ورزی آلوده شده و گاهی نیز به سبب ظهور اطلاعات جدید نقض گردیده است، در ۱۹۸۷ به دلیل اهمیت آن، در ۱۹۸۷ طبع اول تجدید چاپ شد و پراست دوم این دایرةالمعارف در نیمه راه بود. عنوان کامل چاپ اول

## اشاره

ویرایش دوم دایرةالمعارف اسلام مهم‌ترین و معتبرترین نتیجه چند قرن اسلام‌پژوهی خاورشناسان است. در آنچه پیش‌روست، ابتدا این مجموعه مفصل اجمالا معرفی و به نحوه توجه آن به مذهب شیعه اشاره شده است. دوازده مقاله از این مجموعه به امامان شیعه اختصاص دارد که مشخصات آنها در جدول شماره (۱) آمده و در ادامه جهت آشنایی دقیق‌تر با کم و کیف این مقالات، شرح حال و سوابق علمی و پژوهشی مؤلفان آنها مقدم بر گزارش مقالات، ارائه شده است. سپس چند نکته‌ای که ناظر به همه این دوازده مقاله، چه از نظر شکل و چه از نظر محتوایی است بیان شده و در کنار آن منابع و مأخذ اصلی مورد استفاده مؤلفان شناسانده شده است. در نهایت، گزارشی از محتوای یکایک مقالات، با تأکید بر نکات مهم و برداشت‌های متفاوت و غیررایج عرضه گردیده است.

قصد نگارندگان در سراسر این نوشتار، آشنا کردن هر چه بیشتر پژوهشگران با دایرةالمعارف اسلام و خاصه مقالات مرتبط با امامان شیعه آن و به‌طورکل مطالعات شیعی در غرب بوده است. از سویی به‌منظر می‌رسد ارزیابی و بیان نکات مثبت و منفی هر یک از مقالات دوازده‌گانه مورد بحث، خود نیاز به پژوهشی مجزا و نگارش مقاله‌ای مستقل دارد که مجال دیگری را می‌طلبد، چنانکه برخی از تلاش‌ها در این خصوص در صفحات بعدی معرفی خواهند شد. بنابراین با توجه به هدف این مقاله که صرفاً اطلاع‌رسانی بوده است، در بخش گزارش تفصیلی مقالات، نقد محتوایی صورت نگرفته که بی‌شک به معنای پذیرش یکسره آرای طرح شده در آنها نیست.



خود را چنین معرفی کرده‌اند: «چاپ اخیر دایرةالمعارف اسلام، بازگوکننده اطلاعات جدید ما درباره جهان اسلام است. این کتاب مرجعی منحصر به فرد و بسیار ارزشمند و منبعی معتبر نه تنها درباره دین اسلام، بلکه درباره همه مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی است. موضوع مقالات این مجموعه عبارت‌اند از: مشاهیر مسلمانان در هر دوره و هر منطقه؛ قبایل و خاندان‌ها؛ علوم و فنون؛ مؤسسات مذهبی و سیاسی؛ جغرافیا؛ قوم‌شناسی؛ گیاهان و جانوران کشورهای گوناگون اسلامی و تاریخ و جغرافی و آثار تاریخی شهرهای مهم. در حوزه تاریخ و جغرافیا مقالات، شامل پادشاهی‌های عربی - اسلامی و همه سرزمین‌های مسلمان‌نشین نظیر ایران، آسیای مرکزی، شبه قاره هند و اندونزی، امپراتوری عثمانی و نواحی دیگر است.»<sup>۱</sup>

دایرةالمعارف اسلام، گر چه ممکن است دارای کاستی‌ها و لغزش‌هایی باشد، مجموعه‌ای بسیار سودمند و در نوع خویش بی‌همتاست. چه، حاصل چندقرن پژوهش و تتبع خاورشناسان درباره تاریخ، جغرافیا، فرهنگ و دین اسلام است چنانکه به جرأت می‌توان گفت هر فردی که در زمینه جهان اسلام پژوهش می‌کند، بی‌نیاز از آن نیست. در واقع اروپاییان با عبور از راه پریشیب و فراز پژوهش و پشت سر گذاشتن پیشینه‌ای چند صدساله، روش‌هایی بدیع‌پدید آورده‌اند که با استفاده از آن، به نتایج درخشانی در انواع پژوهش‌ها از جمله پژوهش‌های اسلامی دست یافته‌اند. اما با وجود به‌کارگیری این روش‌ها و برخورداری از امکانات مناسب تحقیق، ممکن است برخی پژوهش‌ها و یافته‌های آنان، امروزه نادرست و فاقد ارزش علمی باشد. از مهم‌ترین شواهد این امر، تفاوت‌های آشکار میان چاپ اول و دوم

«دایرةالمعارف اسلام: فرهنگ، جغرافیا، قوم‌شناسی و رجال مردم مسلمان» است. به تدریج این دایرةالمعارف به زبان‌های اصلی تمدن اسلامی یعنی عربی و ترکی و اردو ترجمه شد یا مورد اقتباس قرار گرفت و ذیل‌ها و تعلیق‌هایی بر آن افزوده شد.<sup>۲</sup>

در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم ضرورت بازنگری و بازنویسی مقالات طبع اول دایرةالمعارف اسلام احساس شد و بنیان آن دست‌اندرکاران و تدوین طبیعی جدید از این مجموعه شدند. کار تدوین طبع دوم این مجموعه زیر نظر یوزف شاخت، لوی پروتسال، کرامرز و گیپ آغاز شد و نخستین جلد از ویراست دوم در ۱۹۶۰ از سوی انتشارات بریل شهر لیدن هلند، شامل حرف A و B در ۱۳۵۹ صفحه عرضه گردید. کار تدوین و انتشار کامل این مجموعه بیش از پنجاه سال به طول انجامید. پس از سال ۱۹۶۰ به تدریج و در فواصل مختلف جلد جدیدی آماده و روانه بازار می‌گردید و نهایتاً مجلد یازدهم و پایانی این طبع که شامل حروف V تا Z در ۵۷۵ صفحه بود، در ۲۰۰۲ منتشر شد. در طی این سالیان برخی از سر ویراستاران دایرةالمعارف اسلام جای خود را به دیگران دادند، چنانکه علاوه بر چهار نفر پیش گفته نام کسانی چون لوئیس و پلات و مناژ و لیکومته و بازورت و ون دونزل و هاینریش در میان سر ویراستاران مجلدات بعدی به چشم می‌خورد. دو مجلد پایانی (دهم و یازدهم) زیر نظر سه نفر اخیر و بیرمن و بیانکوئیس تهیه و تدوین شده‌است. گفتنی است مستدرکی (Supplement) شامل حروف A تا I نیز در ۱۹۸۰ به‌عنوان ضمیمه این مجموعه انتشار یافت. دست‌اندرکاران نشر ویراست جدید دایرةالمعارف اسلام، حاصل کار

یادنامه شیخ طوسی، ج ۳، به کوشش محمد واعظزاده خراسانی، مشهد ۱۳۵۴، ص ۷۸۷-۷۹۸:

- همو، «نظری به چند مقاله از دایرةالمعارف اسلام»، ننگین، سال ۱۱، شماره ۱۲۱، خرداد ۱۳۵۴، ص ۱۹-۲۱، ۴۶-۵۰:

- عبدالهادی حائری، «سخنی درباره دایرةالمعارف اسلام»، نشر دانش، سال دوم، شماره اول، آذر دی ۱۳۶۰:

- محمدرضا هدایت پناه، «تشابه اسمی، تفاوت ماهوی: نقدی بر مقاله علی بن ابی طالب در دایرةالمعارف اسلام»، حوزه و دانشگاه، سال هفتم، بهار ۱۳۸۰، شماره ۲۶، ص ۱۶۰-۱۹۸:

- علی بیات و علیرضا عسکر، «آنچه خود داشت... نقدی بر مقاله امام حسین (ع) در دایرةالمعارف اسلام»، حوزه و دانشگاه، سال هشتم، زمستان ۱۳۸۱، شماره ۳۳، ص ۱۶۹-۱۷۸:

نیز بنگرید به:

- دانشنامه ایران و اسلام، زیر نظر احسان یارشاطر، طهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۲۵۳۶، جزوه ۱، مقدمه، ص ۱۹-۲۲:

- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوری، تهران ۱۳۶۷، جلد اول، مقدمه، ص هشت - نه.

### جدول شماره (۱)

مشخصات کلی مقالات مرتبط با امامان شیعه در دایرةالمعارف اسلام.

شماره مقاله	مؤلف	شماره صفحه	تعداد		مدخل	موضوع
			مجله	شماره		
۲۲	L.VECCIA VAGLIERI	10	381	I	ALI B. ABI TALIB	امام علی(ع)
۳۳	L.VECCIA VAGLIERI	6	240	III	(AL-) HASAN B. ALI B. ABI TALIB	امام حسن(ع)
۳۹	L.VECCIA VAGLIERI	12	607	III	(AZ) HUSAYN B. CALI B. ABI TALIB	امام حسین(ع)
۵۰	E.KOHLBERG	3	481	XI	ZAYN AL-ABIDIN	امام سجاده(ع)
۶۰	E.KOHLBERG	4	397	VII	MUHAMMAD B. ALI ZAYN AL-ABIDIN	امام باقر(ع)
۹	M.G.&HODGSON	2	374	II	DIAPAR AL-SADIK	امام صادق(ع)
۲۷	E.KOHLBERG	5	643	VII	MUSA AL-KAZIM	امام کاظم(ع)
۱۸	BLEWIS	2	389	I	ALI AL-RIDA	امام رضا(ع)
۱۱	W.MADELUNG	1	386	VII	MUHAMMAD B. ALI AL-RIDA	امام جواد(ع)
۱۶	BLEWIS	1	713	I	AL-ASKARI	امام مهدی(ع)
۱۵	B. BLJASH	1	246	III	HASAN AL-ASKARI	امام حسن عسکری(ع)
۷	J.G.J. TERHAAR	1	463	VII	MUHAMMAD AL-KAIM	امام زمان(ع)

دایرةالمعارف اسلام است. مهم آنکه انتشار همزمان این دایرةالمعارف به سه زبان انگلیسی و آلمانی و فرانسه و رواج آن در کتابخانه‌های اکثر کشورها، موجب آن می‌شود که بیشتر محققان و علاقه‌مندان مطالعات اسلامی، به ویژه آنان که با زبان‌های رایج میان مسلمانان مانند عربی، فارسی و ترکی آشنا نیستند، از دریچه این اثر که دستاورد اسلام‌شناسان غربی است، به تاریخ و فرهنگ و تمدن و علوم اسلامی بنگرند.

در E12 شیعه به‌عنوان یکی از مذاهب اسلامی مورد توجه قرار گرفته (نک: مقاله «شیعه»، ج ۹، ص ۴۲۰) و فرقه‌های متعدد آن هر یک به‌طور جداگانه بررسی شده‌اند نظیر اسماعیلیه (ج ۴، ص ۱۹۸)، باطنیه (ج ۱، ص ۱۰۹۸)، کیسانیه (ج ۴، ص ۸۳۶)، زیدیه (ج ۱۱، ص ۴۷۷)، جارودیه (ج ۲، ص ۴۸۵)، نصیری (ج ۸، ص ۱۴۵)، واقفیه (ج ۱۱، ص ۱۰۳)، در این میان از شیعه امامیه با مدخل اثناعشریه (ج ۴، ص ۲۷۷) یاد شده است. مؤلف این مقاله دکتر سیدحسین نصر، استاد ایرانی دانشگاه جرج واشنگتن آمریکا است. وی تاریخ شیعه امامیه را به چهار دوره اصلی تقسیم کرده است: دوره حیات امامان دوازده‌گانه؛ از آغاز غیبت کبری تا حمله مغول و خواجه نصیرالدین طوسی؛ از خواجه نصیر تا احیای صفوی؛ از دوره صفوی تا حال حاضر و ذیل هر دوره وقایع و شخصیت‌های مهم آن را شناسانده است. سپس به اعمال مذهبی نظیر نماز و روزه در میان پیروان این مذهب پرداخته و در قسمتی دیگر اصول نظری و اعتقادی و آموزه‌های شیعه امامیه را تبیین کرده است.

علاوه بر این، به برخی از مشاهیر شیعه امامیه اعم از اصحاب امامان و محدثان و فقها و متکلمان و مفسران متقدم و متأخر امامی مدخلی اختصاص داده شده است از جمله مالک اشتر (ج ۱، ص ۷۰۴)، هشام بن حکم (ج ۳، ص ۴۹۶)، شیطان (مؤمن) الطاق (ج ۹، ص ۴۰۹)، شیخ کلینی (ج ۵، ص ۳۶۲)، شیخ صدوق (ج ۳، ص ۷۲۶)، شیخ طوسی (ج ۱۰، ص ۷۴۴)، شریف رضی (ج ۹، ص ۳۴۰)، شریف مرتضی (ج ۷، ص ۶۳۴)، امین الاسلام طبرسی (ج ۱۰، ص ۴۰)، علامه حلی (ج ۳، ص ۳۹۰)، ملاصدرا (ج ۷، ص ۵۴۷)، فیض کاشانی (ج ۷، ص ۴۷۵)، علامه مجلسی (ج ۵، ص ۱۰۸۶) و شیخ عبدالله مامقانی (ج ۶، ص ۳۱۲).

اما مهم‌تر از همه آنکه دوازده مقاله به معرفی امامان شیعه و شرح حال و جایگاه سیاسی و اجتماعی یکایک آنان در دوره حیات‌شان می‌پردازد که در قسمت‌های بعد به تفصیل از آن‌ها سخن می‌گوییم.

در اینجا مناسب است این نکته تکرار و تأکید شود که هدف از این نوشتار هرگز نقد مطالب و محتوای این مقالات نبوده و صرفاً گزارش اجمالی و کلی از مقالات و معرفی گذرایی از مؤلفان آن‌ها مورد نظر بوده است. اما از آنجا که نقد محتوایی برخی از مدخل‌های شیعی دایرةالمعارف اسلام و به ویژه این مقالات، هر چند اندک، قبلاً از سوی برخی محققان انجام شده است، به‌منظور اطلاع علاقه‌مندان در ذیل فهرستی از تلاش‌های انجام شده در این زمینه عرضه می‌گردد:

- محمود مهدوی دامغانی، «انعکاس شیعه در دایرةالمعارف اسلامی».

**مؤلفان مقالات امامان شیعه در دایرةالمعارف اسلام**

در این قسمت، شرح حالی گذرا به همراه سوابق علمی و معرفی مهم‌ترین آثار این محققان در حد امکان عرضه شده است.<sup>۲</sup>

ایران»<sup>۲</sup>.

یوزف الیاش همکاری اندکی با دایرةالمعارف اسلام داشته که شاید علت آن مرگ ناگهانی او بوده است. وی تنها مقاله «امام حسن عسکری (ع)» را برای این مجموعه تألیف کرده است.



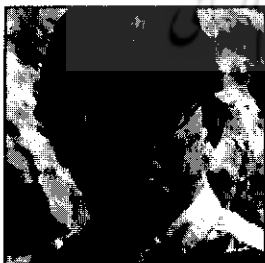
**یوزف الیاش (Joseph Eliash)**

اکتبر ۱۹۳۲ در اورشلیم دیده به جهان گشود. پدرش پزشک جراح و مادرش خانه‌دار بود. تحصیلات دانشگاهی خود را در اورشلیم در دانشگاه هبرو (Hebrew) آغاز کرد. در ۱۹۵۸ مدرک کارشناسی گرفت و در ۱۹۶۲ موفق به اخذ درجه کارشناسی ارشد از این دانشگاه شد. سپس برای ادامه تحصیل به انگلستان رفت. مقطع دکتری خود را در دانشگاه لندن گذراند و در ۱۹۶۲ به اخذ مدرک ph.D در مطالعات اسلامی نائل شد. در ۱۹۶۷ به آمریکا سفر کرد و به عنوان بورسیه دوره فوق دکتری در مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه کالیفرنیا مشغول به تحقیق و مطالعه شد. وی از همین سال تا ۱۹۷۱ در UCLA به تدریس پرداخت و همزمان استادیار مطالعات یهودی در کالج ابرلین شد. از ۱۹۷۲ طرح مطالعات یهود و خاورمیانه در این کالج آغاز گردید که الیاش سرپرستی آن را تا پایان عمرش برعهده داشت. او در این طرح دروسی نظیر زبان عربی، عبری، مطالعات اسلامی و تاریخ یهودیت را تدریس می‌کرد و در ۱۹۷۴ به تبه دانشیاری ارتقاء یافت. همچنین الیاش برای ارائه برخی مقالات خود در سمینارهای بین‌المللی به نقاط مختلفی سفر کرد. از جمله ۱۹۷۳ در کنفرانس بین‌المللی خاورشناسان در دانشگاه سوربن؛ در ۱۹۷۶ در کنفرانس بین‌المللی مطالعات یهودی در اورشلیم؛ در ۱۹۷۹ در کنفرانس اسلام و جهان مدرن در دانشگاه الازهر شرکت جست. وی در ۱۹۸۱ در سن ۴۹ سالگی بر اثر حمله قلبی درگذشت. تحقیقات الیاش در واپسین سال‌های حیاتش، از ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۱، مرتبط با مذهب و فرهنگ شیعه بود. وی با حمایت مالی برخی مؤسسات به ترجمه و انتشار بخش‌هایی از روایات کتاب کافی اقدام نمود. در ۱۹۸۰ در پی بیان این مطلب که آیت‌الله خمینی با گروگان‌گیری ۵۲ تبعه آمریکا، عملاً فقه و قوانین شیعی را نادیده گرفته است، مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت. ظاهراً مهم‌ترین تألیف الیاش که البته به چاپ نرسید، کتاب شیعه امامیه با نگاه به سنت روایی آنان<sup>۳</sup> است که در این کتاب بر اساس نوشته‌ها و آرای فقها و متکلمان شیعه، بحثی درباره نظریات شیعه در باب مرجعیت و حکومت انجام داده است. وی مقالاتی نیز در مجلات اسلام‌شناسی در غرب به چاپ رسانده که برخی از آنها عبارت‌اند از: «نظریه فقهای شیعه در باب مرجعیت فقهی و سیاسی»<sup>۴</sup> و «برداشت نادرست نسبت به جایگاه حقوقی علما در

**مارشال گودرین سیمز هاجسن (Marshal G.S.Hodgson)**

۱۹۲۲ در ایالت ایندیانا ای آمریکا به دنیا آمد. پدرش کتابدار بود و از این رو مارشال در خانواده‌ای فرهنگی و اهل مطالعه پرورش یافت. در ۱۹۴۳ از دانشگاه کلرادو و مدرک لیسانس و در ۱۹۵۱ از دانشگاه شیکاگو درجه دکتری دریافت کرد. در ۱۹۵۳ استادیار دانشگاه شیکاگو شد و پس از مدتی به درجه استادی تاریخ در این دانشگاه رسید و تا هنگام مرگش به تحقیق و تدریس تاریخ در دانشگاه شیکاگو مشغول بود. هاجسن در ژوئن ۱۹۶۸، در ۴۶ سالگی به مرگ ناگهانی درگذشت. وی با وجود عمر نه چندان طولانی، زبان‌های بسیاری از جمله فرانسه، آلمانی، ایتالیایی، لاتین، عربی و فارسی را می‌دانست و با یونانی، اردو و ترکی نیز آشنا بود. مرگ ناگهانی به هاجسن مجال نداد تا بسیاری از تحقیقات و تألیفات خود را به ثمر برساند. کتاب مشهور او بانام: The venture of Islam توسط روبرن و . اسمیز تکمیل شد و به چاپ رسید<sup>۵</sup> و مورد تحسین جهانیان قرار گرفت. کتاب معروف دیگر او: Order of the Assassins به فارسی ترجمه شده است.<sup>۶</sup>

در ویراست دوم دایرةالمعارف اسلام، مقاله «امام صادق (ع)»، از هاجسن به چاپ رسیده است. همچنین مقالات متعدد دیگری از او که مرتبط با مذهب شیعه خصوصاً فرقه اسماعیلیه است، به چشم می‌خورد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: عبدالله بن سبا (ج ۱، ص ۵۱)، باطنیه (ج ۱، ص ۱۰۹۸)، راعی (ج ۲، ص ۱۹۷)، جارودیه (ج ۲، ص ۴۸۵)، غیبیت (ج ۲، ص ۱۰۲۶)، غلات (ج ۲، ص ۱۰۹۳)، حجت (ج ۳، ص ۵۴۳).



**یتان کلبرگ (Etan Kohlberg)**

۱۹۴۳ به دنیا آمد. تحصیلات خود را در یکی از دانشگاه‌های اسرائیل و دانشگاه آکسفورد به انجام رساند و در ۱۹۷۱ مدرک ph.D خود را از دانشگاه آکسفورد اخذ نمود. زمینه تحقیقاتی وی و بیشتر آثار منتشر شده از او مرتبط با منابع و نظریات و تاریخ شیعه به‌ویژه شیعه امامیه است. کلبرگ در حال حاضر استاد گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه هبرو (Hebrew) در اورشلیم است.

مشهورترین پژوهش شیعی او

"Medieval scholar at work: Ibn Taw-us and his library

نام دارد که تحسین برخی از اسلام‌پژوهان معروف غربی را برانگیخته و به فارسی نیز ترجمه شده است." وی پیش از این کتاب، دو کتاب دیگر نیز منتشر کرده است: یکی تصحیح جوامع آداب الصوفیه و عیوب النفس و مداواته ابو عبدالرحمن سلمی در یک مجلد (اورشلیم ۱۹۷۶) و دیگری کتابی با عنوان: «عقیده و قانون در شیعه امامی».

اتان کلبک مقالات متعددی را در نشریات مختلف به چاپ رسانده است

از جمله:

"Abu Turab (Discussion of the name)", in *BSOAS*, 41

(1978), pp.347-352.

[ابوتراب: بحثی درباره نام]

"Shi'i Hadith", in *Arabic literature to the end of the omayyad period*, Cambridge 1983.

[حدیث شیعه]

"Some imam shi'i views on the sahaba", in *Jerusalem studies in Arabic and Islam*, 5 (1984), pp.143-175.

[برخی دیدگاه‌های شیعه امامی درباره صحابه]

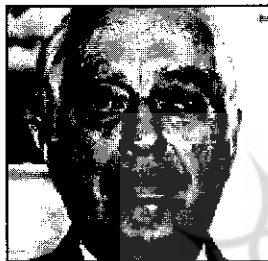
"Al-usul al- arba' umi' a", in *Jerusalem studies in Arabic and Islam*, 10 (1987), pp. (128-166).

[اصول اربعمائه]

"Imam and Community in the pre-Ghayba Period", in *Authority and Political culture in shi'ism*, (ed.) said Amir arjomand, Albany 1988, pp.25-53.

[امام و جامعه در دوره پیش از غیبت]

علاوه بر این، در دایرة المعارف ایرانیکا (Iranica)، دایرة المعارف دین زیر نظر (الیاده) و ویرایش دوم دایرة المعارف اسلام مقالاتی از وی چاپ شده است. اتان کلبک، علاوه بر سه مقاله «امام سجاد» و «امام باقر» و «امام کاظم»، مقاله‌هایی چون محمدیه (ج ۷، ص ۴۵۹)، مسلم بن عقیل (ج ۷، ص ۶۸۸)، رجعت (ج ۸، ص ۳۷۱)، سفیر (ج ۸، ص ۸۱۱)، شهید (ج ۹، ص ۲۰۳) شهیدثانی (ج ۹، ص ۲۰۹)، سلیمان بن صدخزاعی (ج ۹، ص ۸۲۶)، امین الاسلام طبرسی (ج ۱۰، ص ۴۰) را برای دایرة المعارف اسلام تألیف کرده است.



برنارد لوئیس (Bernard Lewis)

۱۹۱۶ در لندن متولد شد. تحصیلات تکمیلی خود را در دانشگاه لندن، مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی (SOAS) گذراند. در ۱۹۳۶ مدرک لیسانس خود را در رشته تاریخ - با تأکید بر تاریخ خاورمیانه و خاور نزدیک - گرفت و در ۱۹۳۹ در رشته تاریخ اسلام به درجه دکتری نائل شد. مدتی به سراغ علم حقوق رفت تا شغل وکالت را برای خود انتخاب کند، اما چون آن را مناسب خود نیافت، به مطالعات و پژوهش خود بازگشت و به تدریس تاریخ خاورمیانه مشغول شد. وی مدتی نیز در دانشگاه پاریس به سر برد و دیپلم پژوهش‌های سامی را از آن دانشگاه اخذ کرد. وی کار تدریس را به طور جدی در ۱۹۳۸ و در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی آغاز کرد و تا سال ۱۹۷۴ در دانشگاه لندن ماند. از آن پس تا زمان بازنشستگی‌اش در ۱۹۸۶ در دانشگاه پرینستون به تدریس پرداخت. وی حتی پس از بازنشستگی، با آنکه در دانشگاه تدریس نمی‌کرد، راهنمایی چند رساله دکتری را برعهده داشت.

لوئیس در طی دوران مطالعه و تحقیق خود به موضوعات متنوعی پرداخته است. علاقه او در ابتدا به تاریخ اسلام در سده‌های میانی و به ویژه جنبش‌ها و حرکات‌های مذهبی نظیر اسماعیلیه بود. سپس به خاورمیانه معاصر روی آورد و پس از آن تاریخ امپراتوری عثمانی را موضوع اصلی پژوهش‌های خود قرار داد. در نهایت به این نتیجه رسید که این سه موضوع را از طریق بررسی تاریخ روابط اروپا و اسلام از اوایل عثمانی تا به امروز، با یکدیگر تلفیق کند. آثار منتشر شده وی به خوبی نشان‌دهنده سیر پژوهش‌های اوست که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- *The Arabs in History*, London 1950;

[اعراب در تاریخ]

- *The Assassins*, London 1967;

[اسماعیلیان]

[زبان سیاسی اسلام]

- The political language of Islam, Chicago 1988;

- Race and Slavery in the Middle East: an Historical Enquiry, New York 1990;

[نژاد و بردگی در خاورمیانه: تحقیقی تاریخی]

- Islam and the west, New York 1993;

[اسلام و غرب]

- The multiple Identities of the Middle East, London 1998;

[همانندی های چندجانبه خاورمیانه]

برنارد لوپس محقق و مؤلف پرکاری است و آثار فراوانی دارد. وی مدتی

عضو هیئت ویراستاری دایره المعارف اسلام بوده و نیز مقالات متعددی را در این مجموعه نوشته است که عمدتاً مرتبط با موضوعات پژوهشی او به ویژه تاریخ اسلام و تاریخ عثمانی است. دو مقاله «امام رضا (ع)» و «امام هادی (ع)» در E12 به قلم او است. ضمناً وی مقالاتی نظیر عباسیان (ج ۱)، ص ۱۵، ابوالخطاب (ج ۱، ص ۱۳۳)، علویان (ج ۱، ص ۴۰۰)، باب (ج ۱، ص ۸۳۲)، ایوب صبری پاشا (ج ۱، ص ۷۹۶)، بهجت مصطفی افندی (ج ۱، ص ۹۲۱) را در این دایره المعارف به نام خود ثبت کرده است.



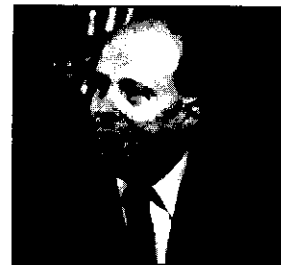
یوهان ترهار (Johan G.J. Ter Haar)

۱۹۴۱ چشم به جهان گشود. تحصیلات تکمیلی خود را در ۱۹۸۹ به پایان برد. در این سال از رساله دکتری خود با عنوان «پیرو و وارث پیامبر: اندیشه شیخ احمد سرهندی (۱۵۶۴-۱۶۲۴)» دفاع کرد که بلافاصله به چاپ رسید.<sup>۱۵</sup>

پس از آن، وی مطالعات و پژوهش خود را خصوصاً در زمینه زبان فارسی، فرهنگ ایرانی و مذهب شیعه ادامه داد که حاصل آن چند کتاب و مقاله است. از جمله:

- "Ta'ziye: ritual theatre from shiite Iran", in *Theatre inter-continentual: forms, functions, correspondences*, (ed.) CC. Bardwijk, Amsterdam 1993, pp.155-174.

[تعزیه: نمایش آیینی ایران شیعی]



ویلفرد مادلونگ (Wilfred Madelung)

۱۹۳۰ در آلمان متولد شد. در ۱۹۵۳ از دانشگاه قاهره لیسانس تاریخ و ادبیات اسلامی گرفت. تحصیلات عالی را در کشور خود، در دانشگاه هامبورگ ادامه داد و در ۱۹۵۷ درجه دکتری در مطالعات اسلامی دریافت کرد و از ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۰ وابسته فرهنگی سفارت آلمان غربی در بغداد بود. مادلونگ از ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۸ استاد اسلام‌شناسی در دانشگاه شیکاگو و از

۱۹۷۸ تا ۱۹۹۸ استاد کرسی عربی و مطالعات اسلامی در عالی ترین سطح آن در دانشگاه آکسفورد بود. او به عنوان استاد مدعو در بسیاری از دانشگاه‌های غربی تدریس کرده و عضو تعداد زیادی از مجامع بین‌المللی اسلام‌شناسی است، از جمله اینکه در حال حاضر عضو ارشد پژوهشی مؤسسه مطالعات اسماعیلیه است. زمینه اصلی آثار و تحقیقات وی فرق و مذاهب اسلامی است. از میان کتاب‌ها و مقالات متعدد او چند اثر به فارسی ترجمه شده که شاید مشهورترین آنها کتاب جانشینی حضرت محمد (ص) است.<sup>۱۶</sup> ویلفرد مادلونگ از جمله مؤلفان اصلی E12 است و همچنین تألیفاتی در دایره المعارف ایرانیکا دارد. در ویراست دوم دایره المعارف اسلام وی علاوه بر مقاله «امام جواد (ع)»، چندین مقاله مهم و طولانی درباره شیعه و موضوعات مرتبط با آن نوشته است که از آن جمله است: امامت (ج ۳، ص ۱۱۶۳)، عصمت (ج ۴، ص ۱۸۲)، اسماعیلیه (ج ۴، ص ۱۹۸)، کیسانیه (ج ۴، ص ۸۳۶)، مهدی (ج ۵، ص ۱۲۳۰)، شیعه (ج ۹، ص ۴۲۰).<sup>۱۷</sup>

- "Observations sur le nahg al-balaga", 24 Int. Cong.or, 1957, 318-319.

[ملاحظاتی در نهج البلاغه]

والی‌یری یکی از پرتألیف‌ترین نویسندگان مقالات مرتبط با تاریخ اسلام در ویراست دوم دایرةالمعارف اسلام است. به‌ویژه آنکه مقالات او عموماً درباره شخصیت‌ها و وقایعی است که برای شیعیان اهمیت دارد چنان‌که وی علاوه بر تألیفات مقالات سه امام نخستین شیعه، این مقاله‌ها را نیز نگاشته است: عبدالله بن عباس (ج ۱، ص ۴۰)، عبدالله بن عمر بن خطاب (ج ۱، ص ۵۳)، ابوموسی اشعری (ج ۱، ص ۶۹۵)، مالک اشتر (ج ۱، ص ۷۰۴)، جمل (ج ۲، ص ۴۱۴)، فدک (ج ۲، ص ۷۲۵)، فاطمه (ج ۲، ص ۸۴۱)، غدیر خم (ج ۲، ص ۹۹۳)، حسین بن علی صاحب فنج (ج ۳، ص ۶۱۵)، ابن‌ابی‌الحدید (ج ۳، ص ۶۸۴)، ابن‌ملجم مرادی (ج ۳، ص ۸۸۷) و خبیر (ج ۴، ص ۱۱۷۳).

خانم والی‌یری در آگوست ۱۹۸۹ از دنیا رفت. در اولین سالگرد درگذشت وی یادنامه‌ای درباره او به چاپ رسید.

#### نکاتی کلی درباره مقالات امامان شیعه

پیش از پرداختن به محتوای مقالات، ذکر چند نکته درباره آنها ضروری به نظر می‌رسد: الف) نخستین مطلبی که باید در مطالعه مقالات دایرةالمعارف اسلام در نظر داشت، نگرش علمی - تاریخی مؤلفان آن به موضوعات و مباحث اسلامی است. به عبارت دیگر، ایشان در تألیف مقالات روش علمی - تاریخی را الگوی کار خویش قرار داده و در وصف، تبیین و تحلیل موضوعات دینی و اسلامی، پیشداوری‌های اعتقادی، کلامی و مذهبی را کنار نهاده و به‌مسئله صرفاً از نگاه تاریخی و با روش علمی پرداخته‌اند. شکی نیست که باید در مقالات دایرةالمعارفی از ارزش‌دوری‌های بی‌مأخذ و بی‌دلیل و اظهارنظرهای تعصب‌آمیز پرهیز شود. و حتی گزارش‌های منابع متعصب تعدیل گردد و احیاناً برداشت‌ها و داوری‌های مغرضانه شناسانده شود. همچنین بدیهی است که تناگویی و کاربرد تعییرات کلیشه‌ای مدح‌آمیز در مقالات دایرةالمعارفی مجاز نیست. اما علاوه بر موارد فوق، نویسندگان مقالات E۱2 و خصوصاً مدخل‌های امامان شیعه، حساسیت‌ها و گرایش‌های مذهبی یا فرقه‌ای را نادیده می‌گیرند و از این رو بعید نیست که در معرفی ائمه شیعه، آنان را همانند فردی عادی در نظر گرفته، از تعارفات و احترامات و القاب متداول در متون شیعی پرهیز کنند و افزون بر این، بعضاً مباحثی ناخوشایند و غیرمنطقی با اعتقادات و مسلمات شیعی را طرح نمایند. به عبارت دیگر در این مقالات وقایع، نظریات و شخصیت‌های اسلامی از نگاه محقق‌ی خارج از فضای اسلامی نگریسته

- "Murtaza mutahhari (1919-1979): an introduction to his life and thought", in *persica*, 14 (1990-1993), pp.1-20.

[مرتضی مطهری (۱۹۱۹-۱۹۷۹): در آمدی بر حیات و اندیشه‌های او] - *Volgelingen van the Imam: een kennismaking met de sji' ishe islam*, Amsterdam 1995, 160pp.

[پیروان امام: آشنایی با اسلام شیعی]

- *Een perzische grammatica*, Amsterdam 1996, 149 pp.

[دستور زبان فارسی]

در ۱۹۹۸ وی رسماً استاد گروه زبان‌ها و فرهنگ‌های خاورمیانه اسلامی در دانشگاه لیدن شد. کرسی تدریس او در این دانشگاه زبان و ادبیات نوین فارسی و تاریخ فرهنگ ایران از آغاز اسلام است و همچنین استاد راهنمایی و سرپرستی چند پایان‌نامه دانشگاهی در این موضوعات را برعهده دارد. از جمله: «نوگرایی، ملی‌گرایی و اسلام در فرهنگ قرن بیستم ایران» و «عشق در نظر و عمل: پژوهشی درباره مفهوم عشق در آثار کلاسیک فارسی». وی به ایران نیز سفر کرده است. یوهان ترهار در دایرةالمعارف اسلام، مقاله امام‌زمان (عج) و نیز مقالات علی شریعتی (ج ۹، ص ۳۲۸) و آیت‌الله محمدکاظم شریعتمداری (ج ۹، ص ۳۲۹) را تألیف نموده است.

#### لورا وچیا والی‌یری (Laura Vecchia Vaglieri)

خانم وچیا والی‌یری از جمله شرق‌شناسان پرکار ایتالیایی و عضو مؤسسه دانشگاهی شرق‌شناسی در ناپل است که عمده پژوهش‌های وی در باب تاریخ قدیم و جدید اسلام است. وی از ۱۹۲۴ عرضه مقالات خود را در نشریات و سمینارها آغاز کرد و این کار را دست کم تا ۱۹۸۰ ادامه داد. عناوین برخی مقالات او عبارت‌اند از:

- "The Ali-Mu'awiya conflict and the kharijite secession re-examined in the light of Ibadite sources", 22 cong.or.1951. II(1957). pp233-237.

[درگیری بین علی و معاویه و کناره‌گیری خوارج بر اساس منابع اباضیه] - "sul 'Nahg al-balaghahe sul suo compilatore as sharif ar-Radi", in *Annali, Istituto orientale di Napoli*, 8 (1958), pp.1-46.

[درباره نهج البلاغه و مؤلف آن شریف رضی]

- "Sulle origine denominazione 'Sunniti'", in *stud. orientalist, levi dell vida*, 11 (1956), pp573-585.

[درباره منشأ نام‌گذاری سنی]

می‌شود و این امر خواه ناخواه در طرز بیان آنها مؤثر خواهد بود.

این نگرش لزوماً بر غرض‌ورزی و عدم انصاف ایشان - چنانکه در برخی نقدها مشهود است - دلالت ندارد چرا که در بسیاری موارد علاوه بر مراجعه به منابع اصیل، موثق و متقدم، تمامی نظریات و گرایش‌ها حول یک مسئله به تصویر کشیده می‌شود و در تجزیه و تحلیل این دیدگاه‌ها نیز معمولاً طرفانه عمل می‌شود. در تأیید این موضوع می‌توان به کاربرد فراوان و پربسامد الفاظی چون: احتمالاً، ظاهراً، به نظر می‌رسد، ممکن است و نظایر آن در مواردی که حاکی از استنباط شخصی مؤلف در موضوع است، اشاره کرد. حال آنکه این امر در مقالات مشابه در دایرةالمعارف‌های اسلامی و ایران کمتر دیده می‌شود. در واقع نگرش علمی و تحقیق‌روشمند ایشان درباره موضوعات و مباحث گوناگون مانع از جزم‌اندیشی و مطلق‌انگاری آنان در اظهارنظرهای می‌شود. از این نکته نیز نباید غافل بود که داوری‌های این محققان لزوماً چهره‌ای آشکار ندارد و آنان گاهی نظریات و برداشت‌های خود را در قالب همین شایدها و احتمالات یا طرح برخی سؤالات به خواننده القا می‌کنند.

ب) ساختار مقالات. در تمامی مقالات تقریباً ساختار مشابهی رعایت شده و معمولاً مباحث برحسب سیر تاریخی ترتیب یافته است. بدین ترتیب که پس از ذکر مدخل که معمولاً نام یا لقب مشهور امام است و شناسه که متشکل از نام، نام‌پدر و گاه نام جد امام است، به القاب و کنیه‌های امام اشاره شده، علت نامگذاری امام به آن القاب یا کنیه‌ها ذکر می‌شود. سپس بحث از زمان تولد امام (سال، ماه و روز) و احیاناً اختلافاتی که در نقل تاریخی آن وجود دارد، طرح می‌شود. درباره تمامی امامان معرفی نسبتاً کاملی از مادر امام صورت می‌پذیرد. نکته‌ای که از دید مؤلفان دور نمانده و بعضاً بر آن تأکید شده، این است که مادر اکثر امامان شیعه (امام هفتم تا دوازدهم) کنیز بوده و در مقالات با اصطلاح «ام ولد» یا «زن صیغه‌ای» از آنان یاد شده است. حجم عمده مطالب در بدنه اصلی مقالات، به نقل موارد مهم از حیات سیاسی، اجتماعی و علمی امامان اختصاص می‌یابد که در بخش بعدی به‌اجمال به ذکر آنها خواهیم پرداخت. در بخش انتهایی مقالات نیز تاریخ وفات و چگونگی آن آمده است. همان‌طور که گفته شد، معمولاً نحوه درگذشت امامان مورد مناقشه مؤلفان قرار گرفته و روایت مشهور شیعی که همه امامان به شهادت رسیده‌اند، مورد تردید واقع می‌شود. این تردیدها با ذکر استنادات تاریخی و نیز ارائه تحلیل‌هایی از جانب مؤلفان صورت می‌پذیرد.

پایان مقالات، معمولاً مختص به مطالبی مرتبط با مسائل بعد از وفات امام است؛ نظیر: آثار و اقوال به‌جای مانده از امام، جانشینی امام، اختلافات و انشعابات شیعیان پس از وفات امام. در بخش کتاب‌شناسی (Bibliography) مجموعه‌ای از کتب و مقالات که مورد استناد مقاله بوده یا جهت مطالعه بیشتر

و مراجعه معرفی شده، به ترتیب زمانی فهرست می‌شود.

ج) از جمله اصول ابتدایی تمامی دایرةالمعارف‌ها، ایجاز‌گویی و اختصارنویسی است. چراکه نقش اصلی دایرةالمعارف تأمین اطلاعات اساسی و البته اصیل و موثق و مستند درباره مدخل‌هاست و لذا در مقالات از نقل قول‌های طولانی یا اطناب‌های بی‌دلیل خودداری می‌گردد. نویسندگان مقالات مورد بحث نیز اصل فوق را به درستی مراعات کرده‌اند و در کوتاه‌ترین عبارات ممکن و به‌اجمال، مطالب عمده و مهم زندگی امامان را به تصویر کشیده‌اند و گاهی نیز به تحلیل وقایع پرداخته‌اند.

با این حال حجم همگی مقالات یکسان نیست که دلیل این امر را می‌توان موارد زیر دانست:

اولاً: همان‌گونه که در جامعه شیعی نیز به چشم می‌خورد، منابع و گزارش‌های تاریخی درباره امامان شیعه یکسان نیست؛ چنان که آثار و تألیفات فراوانی درباره امام علی (ع) اعم از متقدم و متأخر به رشته تحریر در آمده است. در حالی که خود شیعیان نیز برای یافتن منابعی اصیل درباره برخی مقاطع از حیات امام حسن عسکری (ع) با مشکل روبه‌رو هستند. به عبارت دیگر زندگانی برخی امامان کمتر مورد توجه محققان مسلمان حتی شیعیان قرار گرفته است. بدیهی است که محققان غربی نیز در نگارش مقالات خود با چنین واقعیتی روبه‌رو بوده‌اند.

ثانیاً: حوادث تاریخی در طول زندگی ائمه در درجه یکسان اهمیت قرار نمی‌گیرند. چنان‌که در طول تاریخ شیعه صلح امام حسن (ع)، قیام عاشورا یا ولایت عهدی امام رضا (ع) محل بحث و بررسی و مناقشات بسیار بوده است اما بسیاری از وقایع تاریخی زندگی ائمه نظیر زندانی شدن امام هادی و امام عسکری (ع) در زندان خلفای عباسی در سامرا، از چشم منتقدان و مناقشه‌گران به دور مانده است. از این روست که این‌گونه حوادث تاریخی در اولویت‌های بعدی مورخان قرار گرفته و به تبع آنها، مؤلفان این مقالات نیز به همین منوال عمل کرده‌اند و در نتیجه در نقل حوادث تاریخی به درجه اهمیت مباحث توجه کرده و متناسب با اهمیت تاریخی، به بسط و تفصیل آن پرداخته‌اند.

ثالثاً: باید توجه داشت که بسط مطالب از سوی مؤلفان در مواردی که انتظار اجمال می‌رود و برعکس بیان اجمالی برخی مباحث که انتظار شرح و تفصیل آنها می‌رود، خود بیانگر نحوه نگرش مؤلفان در ترتیب و اولویت‌دهی به مباحث تاریخ زندگانی امامان و معیارهای اهمیت نزد آنان است. به‌طورمثال، موضوعاتی نظیر: نقش امام سجاد (ع) در حادثه کربلا و پس از آن، جایگاه امام صادق (ع) در شکل‌گیری فقه جعفری، مناظرات علمی امام رضا (ع) و مسئله مهدویت و اقوال پیرامون آن از جمله مباحثی است که در این مقالات بسیار کم‌رنگ طرح شده است. از سوی دیگر، برخی مباحث چون روابط ائمه با خلفا، روابط ائمه با فرقه‌های مختلف شیعی، موضع‌گیری





شیعی مربوطه مراجعه شده است. خصوصاً در مواردی که بحث کاملاً صیغه شیعی دارد، به منابع شیعی دست اول همچون کافی کلینی، امالی شیخ صدوق، ارشاد شیخ مفید و جز آن استناد شده است. این امر حاکی از دو چیز است: نخست عدم یکجانبه‌نگری مؤلفان؛ و دیگر آنکه در منابع اهل سنت مباحث تفصیلی شیعی یافت نمی‌شود یا مطالب موجود در منابع عامه به دلیل کم‌اهمیت بودن آن برای اهل سنت اعتبار لازم را ندارد. از جمله نکات چشمگیر در استفاده از منابع، توجه مؤلفان به پژوهش‌های جدید غربیان و خاورشناسان درباره موضوعات اسلامی و شیعی است که در بسیاری موارد، این کتاب‌ها یا مقالات به‌عنوان مراجعی جهت مطالعه بیشتر و کامل‌تر درباره موضوع پیشنهاد شده است. در ذیل به برخی منابع مهم مورد استفاده در این مقالات، اعم از سنی، شیعی و پژوهش‌های خاورشناسان اشاره می‌شود:

#### منابع اهل سنت (به ترتیب تاریخی)

- ابن سعد (متوفی ۲۳۰)، طبقات
- بخاری (متوفی ۲۵۶)، التاريخ الكبير
- بلاذری (متوفی ۲۷۹)، انساب الاشراف
- دینوری (متوفی ۲۸۲)، الاخبار الطوال
- حمیری (متوفی ۳۰۰)، قرب الاسناد
- طبری (متوفی ۳۱۰)، تاریخ
- ابن عبدربه (متوفی ۳۲۸)، العقد الفرید
- مسعودی (متوفی ۳۴۵)، مروج الذهب
- همو، التنبیه و الاشراف
- همو، اثبات الوصیه
- ابن حبان (متوفی ۳۵۴)، کتاب الجرح و التعديل
- همو، مشاهیر العلماء الامصار
- ابوالفرج اصفهانی (متوفی ۳۵۶)، الاغانی
- همو، مقاتل الطالبیین
- ابن قتیبه (متوفی ۳۷۶)، عیون الاخبار
- همو، الامامه و السیاسه
- همو، المعارف
- ابونعیم اصفهانی (متوفی ۴۳۰)، حلیه الاولیاء
- خطیب بغدادی (متوفی ۴۳۶)، تاریخ بغداد
- بیهقی (متوفی ۴۵۸)، المحاسن و المساوی
- ابن عبدالبر (متوفی ۴۶۳)، الاستیعاب
- شهرستانی (متوفی ۵۴۸)، الملل و النحل
- ابن عساکر (متوفی ۵۷۱)، تاریخ دمشق

ائمه درباره قیام‌های شیعی، مسئله جانشینی ائمه، انشعابات و اختلافات شیعیان و شکل‌گیری فرق شیعی و مسئله شهادت یا مرگ طبیعی ائمه، مورد توجه ویژه ایشان قرار گرفته و علاوه بر ارائه بحث مبسوط و نقل‌های مکرر از منابع، تحلیل‌های مختلفی نیز پیرامون آنها طرح کرده‌اند. مباحث مهم طرح شده در هر مقاله در قسمت معرفی مقالات خواهد آمد.

د) از نکات مشهور در E12، به‌ویژه در مقالات مورد بحث: ارجاع بسیار کم به منابع در متن مقالات است. اشکال این امر زمانی آشکار می‌شود که خواننده قصد مراجعه به منبعی را دارد که عبارتی از مقاله مستقیماً از آن استخراج شده یا مؤلف برداشت خاصی از آن کرده است. ناگفته نماند که معمولاً در انتهای این مقالات در بخش کتاب‌شناسی، منابع و مأخذ متعددی درباره موضوع مقاله معرفی شده است اما از آنجا که تعداد این مأخذ بسیار زیاد است، یافتن عبارت موردنظر از انبوه مراجع بسیار دشوار می‌نماید. شایان ذکر است که در برخی دایره‌المعارف‌های مشابه به زبان فارسی نظیر دانشنامه جهان اسلام شیوه متداول برعکس است. یعنی بلافاصله پس از نقل مطلبی، ارجاع یا ارجاعات در متن ذکر می‌گردد و مؤلف مقید است استنباط‌های شخصی خود را از نقل‌های مستقیم تفکیک کند. در واقع در این دانشنامه، مأخذ پایان مقاله صرفاً فهرستی از کتاب‌ها و مقالاتی است که در متن مقاله به آنها ارجاع شده یا مورد استناد قرار گرفته‌اند. این روش موجب می‌گردد یافتن مطالب در مراجع آسان شده و احياناً بتوان برداشت‌های نادرست مؤلف را تشخیص داد. بنابراین تشخیص این‌گونه برداشت‌ها در مقالات E12 با مشکل مواجه می‌شود زیرا بسیاری از مطالب بدون ارجاع گزارش شده و در برخی مقالات صرفاً منابع مطالبی که نکات شاذ و خاصی را بیان می‌کنند، مشخص شده است.

ه) بدیهی است همه آنچه را که درباره شیعه در دایره‌المعارف اسلام آمده، نمی‌توان در ذیل مدخل‌های مربوط به ائمه جستجو کرد. اما در هر یک از این مقالات می‌توان از وجود مدخل‌هایی در این دایره‌المعارف که به نوعی با وقایع مربوط به امام مورد بحث ارتباط دارند، آگاه شد. از آنجا که اصل ایجاد و مختصرنویسی از مشخصه‌های بارز E12 است. مطالب هر مقاله فهرست‌وار و به دور از تفصیل آمده است، بنابراین مطالعه این مدخل‌ها می‌تواند اطلاعاتی جامع و فراگیر از مباحث جانبی و مرتبط در اختیار خواننده قرار دهد. فهرستی کامل از این مدخل‌ها در ادامه خواهد آمد.

و) مراجع و مأخذ مورد استناد مقالات، آنچه که به جد مورد توجه مؤلفان بوده، تقدم زمانی مراجع مورد استناد است. چنان که اگر منبع متقدمی به‌موضوع پرداخته باشد، به منابع متأخر مراجعه نشده است. شاید به همین دلیل به منابع اهل سنت نظیر تاریخ طبری به دلیل تقدم بیش از منابع شیعی استناد شده است. البته در مواردی که در منابع متقدم اهل سنت مطلبی یافت نشده یا موضوع از دیدگاه شیعی مورد بحث قرار گرفته، به منابع

- ابن جوزی (متوفی ۵۹۷)، صفة الصفوة  
 - یاقوت حموی (متوفی ۶۲۶)، معجم الادباء  
 - ابن اثیر (متوفی ۶۳۰)، الكامل  
 همو، اسد الغابه  
 - سبط بن جوزی (متوفی ۶۵۴)، تذکره الخواص  
 - ابن ابی الحدید (متوفی ۶۵۶)، شرح نهج البلاغه  
 - ابن خلکان (متوفی ۶۸۱)، وفيات الاعیان  
 - ابن تیمیہ (متوفی ۷۲۸)، منهاج السنة النبویة  
 - مزی (متوفی ۷۴۲)، تهذیب الکمال  
 - ذهبی (متوفی ۷۴۸)، تاریخ الاسلام  
 همو، سیر اعلام النبلاء  
 همو، تذکره الحفاظ  
 همو، میزان الاعتدال  
 - صفدی (متوفی ۷۶۴)، الوافی بالوفیات  
 - ابن کثیر (متوفی ۷۷۴)، البداية و النهایة  
 - ابن حجر (متوفی ۸۵۲)، تهذیب التهذیب  
 همو، الاصابة  
 - ابن طولون (متوفی ۹۵۳)، الشذور الذهبیة فی تراجم الائمة  
 الاثناعشر عند الامامیہ  
 - متقی هندی (متوفی ۹۷۵)، کنز العمال  
 - حلبی (متوفی ۱۰۴۴)، السیرة الحلبیة
- منابع شیعی (به ترتیب تاریخی)  
 - امام علی بن الحسین زین العابدین، الصحیفة السجادیة  
 - نصر بن مزاحم (متوفی ۲۱۲)، وقعة صفین  
 - برقی (متوفی ۲۷۴)، المحاسن  
 - یعقوبی (متوفی ۲۸۴)، تاریخ یعقوبی  
 - صفار قمی (متوفی ۲۹۰)، بصائر الدرجات  
 - نوبختی (متوفی ۳۱۰)، فرق الشیعة  
 - کلینی (متوفی ۳۲۹)، الکافی  
 - کشی (متوفی ۳۴۰)، رجال کشی  
 - ابن قولویه (متوفی ۳۶۸)، کامل الزیارات  
 - ابن شعبه حرانی (متوفی ۳۸۱)، تحف العقول  
 - ابن بابویه (متوفی ۳۸۱)، عیون اخبار الرضا  
 همو، خصال  
 همو، علل الشرائع  
 همو، امالی
- مفید (متوفی ۴۱۳)، ارشاد  
 - شریف مرتضی (متوفی ۴۳۶)، امالی  
 - نجاشی (متوفی ۴۵۰)، رجال  
 - حسین بن عبدالوهاب (متوفی حدود ۴۴۸)، عیون المعجزات  
 - طوسی (متوفی ۴۶۰)، الغیبه  
 - طبرسی (متوفی ۵۴۸)، الفضل بن الحسن، اعلام الوری باعلام الهدی  
 - طبرسی (متوفی ۵۶۰)، الاحتجاج  
 - ابن شهر آشوب (متوفی ۵۸۸)، مناقب آل ابی طالب  
 - ابن طاووس (متوفی ۶۶۴)، اقبال الاعمال  
 - ابوالفتح اربلی (متوفی ۶۹۳)، کشف الغمة  
 - میرخواند (متوفی ۹۰۳)، تاریخ روضة الصفا  
 - استرآبادی (متوفی ۱۰۱۲)، منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال  
 - مجلسی (متوفی ۱۱۱۱)، بحار الانوار  
 - محسن امین (متوفی ۱۳۷۱)، اعیان الشیعة
- منابع جدید  
 - عباس اقبال، خاندان نوبختی  
 - طه حسین، الفتنه الكبرى  
 - اسد حیدر، الامام الصادق و المذاهب الاربعة  
 - عبدالعزیز سیدالاهل، جعفر بن محمد  
 - محمدحسین طباطبائی، شیعه در اسلام  
 - عقاد، ابوالشهداء الحسین بن علی  
 - ف. عمر، هارون الرشید  
 - فهمی عویسی، شهید کربلاء الامام الحسین بن علی بن ابیطالب  
 - باقر شریف قرشی، حیاة الامام موسی بن جعفر: دراسه و تحلیل  
 - عباس قمی، الانوار البهیة  
 - محمد مهدی بن عبدالهادی المازندرانی الحائری، معالی السبطين  
 فی احوال الحسن و الحسین  
 - عبدالرزاق الموسوی المقرم، مقاتل الحسین علیه السلام او حدیث  
 کربلا  
 - محمدحسن الیاسین، تاریخ المشهد الکاظمی
- پژوهش های خاورشناسان (به ترتیب الفبا)  
 H. Algar, *Imam Musa al-Kazim and Sufi Tradition*, in  
 Islamic Culture, lxiv [1990].  
 [امام موسی کاظم و سنت صوفی]



H. Halm, Das "Busch der Schatten". Die Mufaddal-Tradition der Gulat und die Ursprünge des Nusairierts, in II. *Der Islam*, 58 (1981).

[کتاب الاظلة: سنت مفصلی غلات و خاستگاه نصیریه]  
H. Halm, *Die islamische Gnosis*, Zurich and Munich 1982.

[گنوسیس اسلامی]

H. Halm, *Die Schia*, Darmstadt 1988.

[شیعه]

J. Hell, Al-Farazdaks Loblied auf Ali ibn al-Husain (Zain al-Abidin), in *Festschrift Eduard Sachau*, ed. G. Weil, Berlin 1915.

[مدیحه فرزدق درباره علی بن حسین (زین العابدین)]

M.G.S. Hodgson, How did the early Shia become sectarian?, in *JAOS*, lxxv, 1955.

[شیعه نخستین چگونه به یک فرقه تبدیل شد؟]

J.N. Hollister, *The Shia in India*, London 1953.

[شیعه در هند]

J.M. Hussain, *The occultation of the Twelfth Imam. A historical background*, London 1982.

[غیبت امام دوازدهم: زمینه تاریخی]

S.H.M. Jafri, *Irigins and early development of Shia Islam*, London and New York 1979.

[خاستگاهها و پیشرفت اولیه اسلام شیعی]

M. Kafafi, The Rise of Kharijism according to Abu Said Muhammad ibn Sa'id al-Azdi al-Qalhati, in *Bulletin of the Faculty of Arts* (Cairo University), xiv (1952)

[قیام خوارج به نقل ابوسعید محمد بن سعید ازدی]

E. Kohlberg, An unusual Shi'i isnad, in *Israel Oriental Studies*, v (1975)

[یک اسناد غیر معمول شیعی]

E. Kohlberg, *belief and law in Imami Shi'ism*, Variorum, Aldershot 1991.

[اعتقاد و فقه در شیعه امامیه]

E. Kohlberg, Some Imami Shi'i interpretations of Umayyad history, in *Studies on the first century of Islamic society*, ed. G.H.A. Juynboll, Carbondale and Edwards ville 1982.

[تفاسیری شیعی از تاریخ امویان، در مطالعات قرن اول جامعه اسلامی]

C. van Arendonk, *Les debuts de l'Imamat zaidite au Yemen*, tr. J. Ryckmans, Leiden 1960.

[نخستین جلوه‌های امامت زیدی در یمن]

M. Ayoub, *Redemptive suffering in Islam: a study of the devotional aspects of 'Ashura in twelver Shi'ism*, The Hague 1978

[مصیبت رهایی بخش در اسلام: پژوهشی درباره جنبه‌های عبادی

عاشورا در شیعه امامیه]

A. Bausani, *Religione islamica, in Le Civiltà dell'Oriente*, Rome 1958.

[دین اسلام]

L. Caetani, *Annali dell' Islam*, Milan 1905-26, 10 vols

[تاریخ اسلام]

L. Caetani, *Chronographia islamica*.

[وقایع نگاری اسلام]

L. Capezzone, Abiura dalla Kaysaniyya e conversione all'Imamiyya: il caso di Abu Khalid al-kabuli in *Rivista degli Studi Orientali*, 66 i-ii/ 1992-1993.

[انصراف از کیسانیه و روی آوردن به امامیه: ماجرای اتفاقی ابو خالد

کابلی]

W. C. Chittick (Translator), *The psalms of Islam: al-sahifat al-kamilat al-Sajjadiyya (Zayn al-'abidin, [Imam] 'Ali b. al-Husayn)*, London: Muhammadi Trust 1988.

[سرودهای مذهبی اسلام: الصحیفة الكاملة السجادية (زین العابدین

امام علی بن حسین)]

A. Clot, *Haroun al-Rachid et le temps de Mille et Une Nuits*, Paris: Fayard 1986.

[هارون الرشید و هزار و یک شب]

P. Crone and M. Hinds, *God's caliph: religious authority in the first centuries of Islam*, Cambridge 1986.

[خلیفة الله: سلطه دینی در قرون نخستین اسلام]

D. M. Donaldson, *The Shi'ite religion, a history of Islam in Persia and Irak*, London 1933.

[مذهب شیعی: تاریخ اسلام در ایران و عراق]

F. Gabrieli, *Sulle origini del movimento Kharigita*, Rend. Lin., 1941.

[ریشه‌یابی حرکت خوارج]

- M.Momen, *An introduction to Shi'i Islam*, New Haven 1985.
- [مقدمه‌ای بر اسلام شیعی]
- A. Muller, *Der Islam in Morgen - und Abendland*, Berlin 1885.
- [اسلام در شرق و غرب]
- L. Pouzet, *Damas au VI<sup>e</sup> / XIII<sup>e</sup> siecle*, Beirut 1988.
- [دمشق در قرن هفتم / سیزدهم]
- J.F.Ruska, *Arabische Alchemisten, ii, Djafar al-Sadiq, der Sechste Imam*, Heidelberg 1924.
- [شیمیدانان عرب، ج ۲، امام جعفر صادق، امام ششم]
- J.F. Ruska, Djafir ibn Hayyan und seine Beziehungen zum Imam Djafar al-Sadiq, in *Islam*, 16 (1927)
- [جابر بن حیان و ارتباط او با امام جعفر صادق (ع)]
- A.A. Sachedina, *Islamic Messianism. The idea of the Mahdi in Twelver ShiSism*, albany 1981.
- [مهدویت اسلامی: نظریه مهدی در میان شیعه امامیه]
- A.A. Sachedina, *The just ruler (al-sultan al-'adil) in Shi'ite Islam*, Oxford 1988.
- [سلطان عادل در شیعه]
- W.Sarasin, *Das Bild 'Alis bei den Historikern der Sunna*, Basel 1907.
- [تصویر علی نزد مورخان سنت]
- D. Sourdel, *Le vizirat abbaside*, Damascus 1959-60.
- [وزرای عباسیان]
- R.Strothmann, *Das Staatsrecht der Zaiditen*, Strassburg 1912.
- [مذهب زیدیه]
- A. Taheri, *The spirit of Allah: Khomeini and the Islamic revolution*, London: Hutchinson, 1985.
- [روح خدا: خمینی و انقلاب اسلامی]
- L.Veccia Vaglieri, IL conflitto Ali-Muawiya e la secessione kharigita riesaminati alla luce di fontibad ite in, *AIUON* 1952.
- [درگیری بین علی و معاویه و کناره‌گیری خوارج بر اساس منابع اباضیه]
- L. Veccia Vaglieri, Traduzione di passi riguardanti il conflitto 'Ali Mu'awiya e la successione kharigiia, *AIUON*, 1953.
- [درگیری علی و معاویه و کناره‌گیری خوارج]
- E.Kohlberg, From Imamiyya to lthna' ashariyya, in *BSOAS*, xxxix [1976]
- [از امامیه تا اثنا عشریه]
- H. Lammens, *Etudes sur le regne du Calife Omayyade Mo'awia Ier*, Leipzig 1908.
- [بررسی سلطنت معاویه اول، خلیفه اموی]
- H.Lammens, Le Califat de Yazid Ier, in *Me'langes del Universite' St.-Joseph*, v(1911)
- [خلافت یزید اول]
- H.Lammens, Mo'awia II ou le dernier des Sofianides, in *Revista degli Studi Orientali*, 7 (1916-18)
- [معاویه دوم یا آخرین خلیفه آل سفیان]
- H. Lammens, Apropos de "Ali ibn Abi Tlib, in *Me'langes del 'Universite' St. Joseph*, 7 (1914-21)
- [درباره علی بن ابی طالب]
- H.Lammens, *Etudes sur le siecle des Omayyades*, Beirut 1930.
- [مطالعاتی درباره دوره امویان]
- J. Lassner, *Islamic revolution and historical memory*, New Haven 1986.
- [انقلاب اسلامی و حافظه تاریخی]
- G.Levi della Vida, IL Califato di 'Ali secondo il Kitab Ansab al-Ashraf di al-Baladuri, in *RSO*, 1913.
- [خلافت علی (ع) به روایت کتاب انساب الاشراف بلاذری]
- G. Le Strange, *Baghdad during 'Abbasid caliphate*, Oxford 1924.
- [بغداد در دوران خلافت عباسیان]
- W. Madelung, *Der Imam al-Qasim ibn Ibrahim und die Glaubenslehre der Zaiditen*, Berlin 1965.
- [امام قاسم بن ابراهیم]
- W.Madelung, *The succession to Muhammad*, Cambridge 1997.
- [جانشینی محمد: پژوهشی درباره خلافت نخستین]
- W. Madelung, A treatise of the Sharif al-Murtaza on the legality of working for the government, in *BSOAS*, xliii [1980].
- [رساله شریف مرتضی درباره مشروعیت کار کردن برای حکومت]

گزارش تفصیلی مقالات  
امام علی (ع)

مؤلف به دلیل گستردگی و اهمیت این مدخل، مطالب خود را در قالب چندین مدخل فرعی طرح کرده است که عبارت‌اند از: معرفی ابتدایی؛ دلاوری‌های امام در جنگ؛ منازعه با ابوبکر؛ روابط امام با عمر؛ مخالفت با عثمان؛ انتخاب علی (ع) برای خلافت و اقدامات نخستین؛ پیمان‌شکنی عایشه، طلحه و زبیر؛ درگیری با معاویه؛ جایگاه و وظیفه حکمین؛ مخالفت‌ها با حکمیت؛ جنگ نهروان؛ مذاکره اذرح؛ سال‌های پایانی، وفات و دفن علی (ع)؛ خصوصیات شخصی؛ و شخصیت امام.

در بخش نخست، والی‌یری به موضوع اسلام علی (ع) و اختلاف شیعه و سنی دربارهٔ تقدم بودن ابوبکر یا علی (ع) در اسلام پرداخته است. او از دوران کودکی امام، صرفاً به فرزندخواندگی او نزد پیامبر (ص) اشاره می‌کند و پس از نقل ماجرای لیلۃ‌المیبت آن را قابل تقدیر می‌شمارد. نکته دیگر که توجه مؤلف را به خود جلب نموده، ازدواج نکردن علی (ع) در زمان زندگی با فاطمه زهرا (س) است.

در بخش بعدی، به ذکر رشادت‌های افسانه‌ای امام در جنگ‌های صدر اسلام پرداخته و به‌طور خاص از سه جنگ بدر، خیبر و حنین نام می‌برد. وی معتقد است علی (ع) به جز دو جنگ خیبر و یمن که در آنها فرماندهی سپاه را برعهده داشته، در اکثر جنگ‌ها به‌عنوان یک جنگجوی عادی شرکت داشته است.

والی‌یری ذیل عنوان منازعه با ابوبکر، به بیعت نکردن امام علی (ع) تا شش ماه و نیز ادعای ارث فاطمه (س) می‌پردازد. هر چند او در قصد امام بر جانشینی پیامبر (ص) تردید کرده و این اعتقاد را به شیعیان نسبت می‌دهد و می‌گوید: «شیعه بر اساس عقاید خود، با جعل یا تأویل احادیثی خاص دربارهٔ علی (که به محمد نسبت داده می‌شود) همیشه بر این باور بوده است که پیامبر قصد داشته خلافت را به پسر خوانده و پسرعموی خود واگذار کند.» شاهدمدعای وی، رسم معمول اعراب در انتخاب رهبر و سرکرده قوم است که افراد میانسال و جاافتاده را برمی‌گزینند، در حالی که علی (ع) در آن زمان در سنین جوانی به‌سر می‌برد.

مؤلف بر آن است که عمر در دوران خلافت خود در امور قضایی از امام مشورت می‌خواست و امام نیز از این موضوع دریغ نداشته است. هر چند عمر در امور سیاسی به نظریات علی (ع) ترتیب اثر نمی‌داده است که شاهد آن اعتراض امام به عمر دربارهٔ شیوه تقسیم بیت‌المال است. این مخالفت با خلفا از سوی امام در مسئله شورا و نیز در دوران خلافت عثمان نیز بروز داشته است. به‌طوری که والی‌یری می‌گوید: «در مسائل سیاسی علی خود را در زمره مخالفان عثمان قرار داده بود و مردم او را - دست کم اخلاقاً - به‌عنوان رهبر یا یکی از رهبران‌شان می‌دانستند.»

و چیا والی‌یری به دو عامل مهم اشاره می‌کند که بهانه لازم را بدست مخالفان از جمله معاویه داد تا از پذیرش خلافت او امتناع کنند. نخست آنکه خلافت علی (ع) مورد تأیید همگان نبود. او می‌نویسد: «با وجود اعمال

G. Weil, *Geschichte der Caliphen*, 5 vols., Mannheim-Stuttgart 1846-62.

[تاریخ خلفا]

J. Wellhausen, *Das Arabische Reich und sein sturz*, Berlin 1902.

[امپراتوری عرب و سقوط آن]

J. Wellhausen, *Skizzen u. Vorarbeiten*, vi, Berlin 1899.

[خلاصه‌ها و پیش‌نویس‌ها]

J. Wellhausen, *Die religios-politischen*

*Oppositionsparteien im alten Islam*, Berlin 1901.

[گروه‌های مخالف سیاسی - مذهبی در صدر اسلام]

F. Wustefeld (Translator), *Der Tod des Husein ben*

*'Ali und die Rache* (Ibn Tawus al-Tawusi, 'Ali b. Musa),

Gttingen 1883.

[مرگ حسین بن علی و خونخواهی او]

جدول شماره (۲):

فهرست مدخل‌های مرتبط با امامان شیعه به ترتیب الفبا

عنوان	Titel	مترجم	عنوان
آب مشرف	Abd Allah b. al-Zubayr	عبدالله بن الزبیر	Abd Allah b. al-Zubayr
آذربایجان (سمنان)	Abd Allah b. Saba	عبدالله بن سبا	Ka'ab[Al Muhammad]
آزادگان	Abd al-Rahman b. Samura	عبدالرحمن بن سمرة	Karbala
کربلا	Abu al-Khattab	ابوخطاب	Kaynakiyya
کیشانه	Abu Dinar al-Ghifari	ابوذر غفاری	Kazi Abu Yusuf Yaqub b. Ibrahim
کلمی (پوزیسک بن ابراهیم)	Abu Dja'far al-Manzur	ابو جعفر المنصور	Kazimiyin
کاشان	Abu Harith	ابو حریث	Kharidjites
کاشان	Abu Mikhael	ابو میکائیل	Khums
کاشان	Abu Musa al-Ash'ari	ابو موسی اشعری	Mahli
کاشان	'Adi b. Hatim	عادی بن حاتم	Mubalaha
کاشان	Ahl al-Kisa	اهل‌الکبا	Muharram
کاشان	al-Ashjar	الاشجار	Mun'ab b. al-Zubayr
کاشان	al-Ujmal	الوجمل	Mun'im b. A'kil
کاشان	al-Faradik	الفریدق	Muslim b. 'Ukba
کاشان	al-Hudayfa	الحدیفة	Muta'
کاشان	al-mu'ath 'ala 'Abd al-Muttalib	المعتمد بن الحنفی	Mu'awzi 'Ame b. Ubayd
کاشان	al-Muhallab	المحلب	Nasayriyya
کاشان	al-Nadif	النذیف	Sa'at al-Khawf
کاشان	al-Sharif al-Radi	الشریف الرادی	Sh'a
کاشان	'Ame b. al-'As	عمرو بن العاص	Shuwaybiyya
کاشان	Awza'i	اوزاعی	Siffin
کاشان	Bakkan	بککان	Sufia Ma'ruf al-Karkhi
کاشان	Bara'a	براعه	Sulaym b. al-Hanayn
کاشان	Baramika	برامیکا	Sulayman b. Surad al-Khazri
کاشان	Bahr al-Haf	بهر الحاف	Tahriyya
کاشان	Djabir b. 'Abd Allah al-Ansari	جابر بن عبدالله الانصاری	Tawwabun
کاشان	Djabir b. Yazid al-Djufi	جابر بن یزید الجوفی	Ta'ziya
کاشان	Fadh	فدح	'Ubayd Allah b. Ziyad
کاشان	Fatima	فاطمه	'Ubayd Allah b. 'Abbas
کاشان	Ghayba	غیبه	Umm al-Kutab
کاشان	Harun al-Rashid	هارون الرشید	Umm Salama
کاشان	Hisham b. al-Hakam	هشام بن الحکم	Umm walid
کاشان	Hudjr b. 'Adi	حضر بن عدی	Ukman b. 'Affan
کاشان	Husayn b. 'Ali Sahib Fakhk	حسین بن علی صاحب	Wail 'Ahd
کاشان	Ibn Muljam	ابن ملجم	Zaydi Abu 'Abd Allah Ya'qub b. dawud
کاشان	Imama	امام	Zaydiyya
کاشان	Ima'itiyya	اسماعیلیه	Ziyad b. Abihi



وی یاد آور می‌شود که منابع از موضع امام در این باره با ابهام عبور کرده‌اند و تنها نصر بن مزاحم در وقعة الصقین به آن اشاره کرده است: «از آنجا که عثمان توسط کسانی کشته شده که از اعمال خود سرانه او به ستوه آمده بودند، مسئولیتی بر گردن ایشان نیست.»

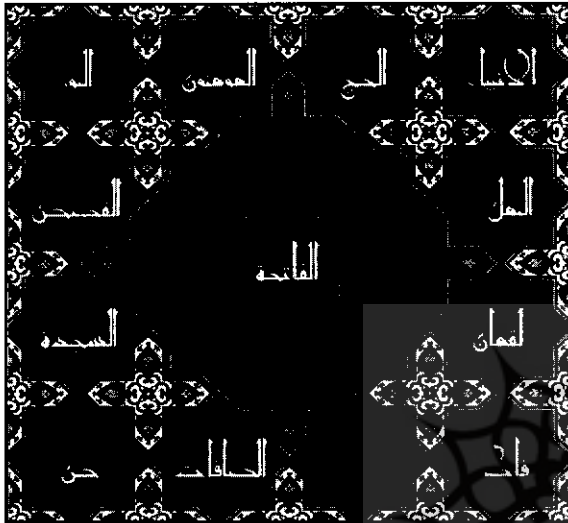
نویسنده مقاله، ذیل مدخل حکمیت می‌گوید: «وظیفه حکمین آن بود که تعیین کنند آیا اعمال و رفتاری که عثمان به آنها متهم شده بود، بدعت بوده یا نه. اگر خلیفه گناهکار بوده، قتل او می‌تواند بحق تلقی گردد ولی اگر او خطایی مرتکب نشده، باید چنین نتیجه گرفت که او به ناحق کشته شده و در نتیجه معاویه در ادعای حق قصاص، محق بوده است.»

مؤلف به مخالفت گروهی از یاران امام با حکمیت می‌پردازد که در صفین با گریه، شعار «لا حکم الا لله» سر می‌دادند و مراد ایشان این بود که تازمانی که دستور صریح الهی (آیه ۹ سوره حجرات) در موضوعی وجود دارد، تصمیم انسانها در آن موضوع بی‌جا و خطاست. وی یاد آور می‌شود که: «خود علی، در جنگ با مخالفانش به این آیه تمسک جسته بود؛ چرا که در نظر او طایفه شورش، نخست گروه عایشه، طلحه و زبیر بودند و اکنون فرقه معاویه است. بنابراین کاملاً منطقی بود که مخالفان او، معتقد بودند که وی وظیفه دارد جنگ با معاویه را ادامه دهد. زیرا اتفاق تازه‌ای نیفتاده بود که شرایط را تغییر داده باشد.»

والی‌یری نقل می‌کند که «در راه بازگشت به کوفه، امام ضمن بازدید شخصی از اردوگاه مخالفان، موفق به آشتی با ایشان شد ولی پس از بازگشت به کوفه، اخباری را که مبنی بر تخطی از توافق صفین و عدم پذیرش حکمیت بود، تکذیب کرد». بدین ترتیب مخالفان که والی‌یری تعداد آنها را سه تا چهار هزار نفر برمی‌شمارد، مخفیانه از شهر خارج شده، به همراه تعداد

فشار یاران علی، بر خلیفه نظیر عبدالله بن عمر، سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، محمد بن مسلمه انصاری و اسامه بن زید تسلیم نشدند و مدینه را ترک کردند. بدین ترتیب معاویه می‌توانست این انتخاب را نامعتبر بداند چون توسط اقلیت صورت گرفته بود. از سوی دیگر امام از جانب شورشانی که دستشان آلوده به خون عثمان بود، کاندیدای خلافت شده بود. نویسنده در این باره می‌گوید: «امام با این کار خود را در معرض اتهام همدستی با ایشان قرار داد.» از این رو با انتشار خبر قتل عثمان و حمایت علی از مجرمان، برخی از مخالفت‌ها از مکه، شام و مصر آغاز شد. در مکه عایشه، طلحه و زبیر بیعت خود را شکستند و با لشگریانی به سمت عراق حرکت کردند. مؤلف معتقد است: «علی نمی‌خواست عراق را هم از دست بدهد. زیرا شام فقط از معاویه فرمان می‌برد، مصر دچار هرج و مرج بود و با از دست دادن عراق، امام تسلط اش را بر استان‌های شرقی نیز از دست می‌داد». والی‌یری پس از ذکر انگیزه‌های بیعت‌شکنان و تصرف بصره و قتل عام در آنجا، می‌نویسد: «از آنجا که هر دو گروه، خواهان پایان دادن مسالمت‌آمیز به جنگ بودند، توافقی مورد مذاکره قرار گرفت که طبق آن، علی باید خود را با فراریان درگیر نمی‌کرد (حیات آنها را تضمین می‌نمود) ولی این نتیجه‌ای نبود که افراطیان لشگر علی به دنبالش بودند. جار و جنجالی که توسط آنها به راه افتاد، به جنگی انجامید که در تاریخ مسلمانان به جنگ جمل مشهور است که در آن طلحه و زبیر جان خود را از دست دادند و عایشه، به دستور علی، تحت مراقبت به مدینه بازگردانده شد.»

مؤلف سپس به درگیری امام با معاویه و موضوع اختلاف ایشان می‌پردازد. از نظر او «معاویه با استناد به آیات قرآن، خواهان تسلیم قاتلان عثمان بود... چرا که او به ناحق کشته شده بود و ولی دم، حق قصاص داشت.»



محل دفن او تا زمان هارون الرشید اشاره می‌کند. وی در توصیف ویژگی‌های ظاهری و شخصیتی امام از الفاظی تند و خشن بهره گرفته است. حتی درباره القاب امام می‌نویسد: «وی دو لقب داشت: حیدر (شیر) و ابوتراب (مرد خاکی)، لقبی که احتمالاً دشمنانش جهت تحقیر به او نسبت داده بودند که بعدها با وقایعی ساختگی، به معانی افتخار آمیزی تفسیر شده‌اند.»

#### امام حسن (ع)

وچیا والی‌بری، مؤلف این مقاله، مباحث را ذیل چند عنوان گنجانده است: سال‌های نخست حیات؛ امام حسن (ع) در زمان خلافت علی؛ دوران خلافت؛ شرایط صلح با معاویه؛ کناره‌گیری از خلافت؛ ویژگی‌های اخلاقی و ظاهری؛ و امام حسن در باور شیعیان.

در بخش نخست، مؤلف به نام‌گذاری امام اشاره کرده، می‌گوید: «پیامبر او را حسن نامید حال آنکه پدرش (علی) می‌خواست نام او را حرب بگذارد.» سپس به زندگی امام در کنار جدش پرداخته، گزارش‌هایی تاریخی را که حاکی از علاقه شدید پیامبر به او و برادرش حسین (ع) است، نقل می‌کند. مؤلف معتقد است، حسنین به دلیل نوجوانی، در حوادث مهم دوران خلافت ابوبکر، عمر و عثمان، شرکت نداشته‌اند و حتی حضور آنان در محاصره خانه عثمان، برای دفاع از خلیفه و آب رساندن به وی، صرفاً به امر پدر و منفعلانه بوده است. نکته جالب توجه در این باره که والی‌بری متذکر می‌شود این است که: «هنگامی که حسن داخل خانه عثمان می‌شود، قاتل عثمان در آنجا حاضر بوده است. همچنین وی در همین حال محمدبن ابی بکر را می‌بیند که در ترور عثمان شرکت داشته است.»

والی‌بری از سال‌های زندگی حسن (ع) در دوران خلافت امام علی

بیشتری که از بصره آمده بودند، در محلی بنام نهروان گرد آمدند. از نظر مؤلف، حکمین دو بار ملاقات داشته‌اند؛ بار نخست در دومة الجندل و دیگری در أذرح. «در مرتبه اول، دو حکم به این توافق رسیدند که حکم خود را اعلام نکرده، سکوت اختیار کنند ولی علیرغم اعلام نشدن رسمی حکم، هر دو گروه از آن مطلع بودند. شامیان از شور و شوق، مجدداً با معاویه بیعت کردند، حال آنکه علی (ع)، علناً به هر دو حکم اعتراض کرده و مدعی شد که حکم آنها برخلاف قرآن و سنت بوده، بنابراین الزامی به پذیرش آن ندارد.»

والی‌بری می‌گوید: امام علی (ع) مجدداً نیروهای خود را جمع کرده و آماده حرکت به سمت معاویه شد ولی در انبار به سمت نهروان تغییر جهت داد. چرا که ضروری بود ابتدا این مرکز فتنه ناپذیر شود. «در نهروان، مخالفان اعلام داشتند که او باید به گناه خود که عملی کفر آمیز بوده، اعتراف کند ولی علی با عصبانیت آن را رد کرد.» نویسنده جنگ نهروان را به قتل عام تشبیه کرده، می‌افزاید: «ظاهراً امام خود نخستین کسی بود که از آن واقعه ابراز تأسف کرد.» وی تأکید می‌کند که این عمل او با تخطئه افکار عمومی مواجه شد و تبعات بسیار شدیدی برای وی در پی داشت به طوری که موجب شد یاران وی بیش از پیش به او پشت کنند. به عقیده مؤلف، همین امر عامل اصلی بازگشت امام به کوفه و دست کشیدن وی از جنگ با معاویه بوده است. والی‌بری در این باره می‌گوید: «شرایط پس از این حادثه کاملاً تغییر کرد... در حالی که معاویه سرزمین‌هایی را تصرف کرده بود، علی در باتلاقی از مشکلات گرفتار شده بود. او در نظر جامعه اسلامی با حکم دو حکم سلب صلاحیت شده بود و تعداد زیادی از پیروانش را به دلیل عدم قبول تصمیم ایشان پس از حکمیت و قتل عام خوارج و در کل با سیاست‌های خود، از دست داده بود.» مؤلف بر آن است که در این شرایط بود که دومین ملاقات حکمین در أذرح در شعبان ۳۸ روی داد و در آنجا، حکم آنان مبنی بر بی‌گناهی عثمان اعلام گردید و انتخاب خلیفه جدید پیشنهاد شد. وی می‌گوید: «حتی در اجتماع‌هایی نیز هیچ صدایی به نفع علی بلند نشد و همه‌های که به دنبال اعلام کردن خلافت معاویه توسط عمرو عاص در گرفت، صرفاً واکنشی بر ضد امویان بودند نه حمایت از علی.»

نویسنده مقاله، در توصیف سال‌های پایانی حکومت امام چنین آورده است: «علی در کوفه محبوس شد و حتی هنگامی که معاویه دست به لشکرکشی‌های جزئی به قلب عراق و جزیره العرب زد، علی منفعل باقی ماند. در خراسان و مناطق عرب‌نشین شرقی، حکومت به حال خود واگذار شده بود و تنها شورشی در فارس توسط زیاد بن ابیه حاکم علی در بصره، فرو نشانده شد. در سال ۴۰، علی هیچ نفوذی بر مکه و مدینه نداشت و نتوانست از حمله معاویه به یمن جلوگیری کند.»

مؤلف در پایان مقاله، پس از ذکر چگونگی شهادت امام، به مخفی بودن

خود را نسبت به آنها ارائه می‌کند. از جمله اینکه: معاویه برای خود جانشینی انتخاب نکرد، پرداخت دو میلیون درهم به امام حسین، اولویت داشتن بنی‌هاشم به بنی‌عبدشمس در بیت‌المال و حقوق سالیانه ...

والی‌یری در تحلیل علت کناره‌گیری امام حسن از خلافت و پذیرش صلح با معاویه، دلایلی را که عموماً در منابع به آنها اشاره می‌شود، نظیر: علاقه مفروضه به صلح، انزجار از سیاسی‌بازی و مشاجرات سیاسی، پرهیز از خونریزی و کشتار وسیع تأیید می‌کند و می‌افزاید: «این مطلب نیز محتمل است که او انگیزه‌اش را برای جنگ از دست داده بود. بر فرض صحت اینکه امام علی طبق عادت خزانه دولت را خالی کرده بود (چنان‌که هر هفته می‌گفت!) تاموجودی آن را بین افراد تقسیم کند، امام حسن دارایی کمی داشته است. از این گذشته، در سال‌های پایانی خلافت پدرش، پشت کردن یاران افزایش یافته و به دوران خلافت خودش نیز سرایت کرده بود. بدین ترتیب او نمی‌توانست روی سربازانش که میل کمی به جنگ داشتند، حساب کند.»

از جمله نکاتی که مورد توجه مؤلف قرار گرفته، تعداد ازدواج‌های امام است به طوری که به او لقب «مطلق» داده بودند. ولی تعداد زنان دائم امام را ۶۰ یا ۷۰ یا ۹۰ نفر و زنان صیغه‌ای را ۳۰۰ یا ۴۰۰ نفر برشمرده است. همچنین شهرت امام بر بردباری و خویش‌داری و نیز سخاوتمندی و پرهیزکاری از نظر مؤلف به دور نمانده است. والی‌یری تأکید دارد که شیعیان از هر فرقه و گروهی، او را به عنوان امام دوم خویش شناخته و می‌شناسند و هیچ‌گاه از تصدیق این که وی توسط پدرش به خلافت منصوب شده، دست برنداشته‌اند. هر چند کناره‌گیری امام از خلافت در زمان خویش توسط بسیاری از پیروانش مورد انتقاد بود ولی جایگاه او را به عنوان امام بی‌اعتبار نکرد. از نظر مؤلف، عملکرد امام در نگاه شیعیان موجه است زیرا بر خاسته از پرهیزکاری و وارستگی نفسانی وی از امور مادی بوده است. در پایان مؤلف به کرامات منسوب به امام در متون شیعی پرداخته، برخی از آنها را به عنوان شاهد نقل می‌کند.

#### امام حسین (ع)

این مدخل چنان‌که انتظار می‌رود، طولانی‌ترین مقاله (۱۷ ستون) از مقالات امامان شیعه است و به منظور سهولت در دستیابی، مطالب این مقاله در چندین مدخل فرعی گنجانده شده است. عناوین فرعی این مقاله عبارت‌اند از: کودکی و نوجوانی امام حسین (ع)؛ نحوه برخورد با معاویه؛ مرگ معاویه، ردیعت با یزید و عواقب آن؛ منابع مرتبط با قیام امام حسین (ع) و پایان ناگوار آن؛ دعوت کوفیان و مأموریت مسلم بن عقیل؛ عزیمت امام به کوفه؛ واقعه کربلا؛ حوادث پس از کربلا؛ معجزات و کرامات امام؛ نام‌ها و هم‌نامان امام؛ آیاتی از قرآن که شیعیان در رابطه با حسین (ع) تفسیر کرده‌اند؛ قضاوت‌ها

بسیار سریع عبور کرده و در دو جمله به حضور وی در ماجرای جمل و صفین اشاره می‌کند. به عکس، در بخش دوران خلافت امام حسن، وقایع را از شهادت پدر تا پذیرش صلح به تفصیل طرح و تحلیل می‌کند. اگر چه از دیدگاه او، یافتن ترتیب دقیق تاریخی برای تمام صحنه‌های نزاع بین معاویه و امام حسن امری دشوار است. در اینجا تنها به ذکر دو صحنه از وقایع این دوران که حاکی از نگاه خاص مؤلف به مسئله صلح امام است، اکتفا می‌شود:

۱- «هنگام بیعت مردم با امام حسن، قیس بن سعد بن عباد، اولین بیعت‌کننده با امام، اصرار داشت که علاوه بر کتاب و سنت، شرط چهارم «محلون» (کسانی که حرام خدا را حلال کرده‌اند) در شرایط بیعت گنجانده شود. اما امام حسن او را متقاعد کرد که شرط اخیر در کتاب خدا لحاظ شده است. در عوض از حاضران خواسته شد که سوگند یاد کنند که با کسانی که با امام حسن در جنگند، بجنگند و با کسانی که با امام حسن در صلح‌اند، صلح کنند. این قاعده، حاضران را متعجب کرد.» مؤلف پس از بیان این گزارش تاریخی، این پرسش را مطرح می‌کند که: «آیا سخن گفتن امام از صلح، به این دلیل بود که خواهان صلح با معاویه است؟» گویا مؤلف با طرح این سؤال قصد القای این مطلب را به خواننده دارد که امام از پیش هوای صلح را در سر داشته است.

۲- «امام حسن، در ساباط مدائن، توقف کرد و به سخنرانی پرداخت که موجب تشویش اذهان یارانش گشت... او اظهار داشت که هیچ عداوتی با هیچ مسلمانی ندارد. صلحی که مردان او مخالف آن هستند، بهتر از دو دستگی و تفرقه‌ای است که آن‌را خواهان‌اند.» مؤلف معتقد است که این سخنان یاران امام را به تعجب واداشت و گروهی از متعصبان به او یورش برده، خیمه‌اش را غارت کردند. هر چند امام به کمک یارانش توانست از دست ایشان نجات‌یابد ولی در مظلم ساباط، جراح بن سنان اسدی که از خوارج بود، با خنجر امام را زخمی نمود. او فریاد می‌زد: «تو نیز همچون پدرت کافر شده‌ای.» این نقل نیز همچون نتیجه‌گیری قبلی، با اعتقاد رایج شیعی در تقابل است. چه خواننده از این نقل استنباط کرده که امام حسن به صلح با معاویه تشویق می‌کرده است.

در بخش بعد، مؤلف به شرایط صلح‌نامه امام حسن و معاویه می‌پردازد. وی معتقد است برخی از گزارش‌های رسیده در این باب با یکدیگر ناسازگار است و به هیچ وجه قابل جمع نیست. در میان شرایط طرح شده در گزارش‌های مختلف، ظاهراً تنها شرطی که مورد قبول مؤلف قرار گرفته آن است که معاویه باید مبلغی (یک میلیون درهم یا پنج میلیون درهم) را به عنوان غرامت به امام حسن بپردازد. از نظر مؤلف باقی شرایط قابل شک و تردید است. چراکه بیشتر آنها تحریف شده‌اند یا اینکه بعدها به منظور کاهش انتقادات علیه امام و اثبات اینکه وی از مواضع خویش عدول نکرده، جعل و وضع گردیده است. والی‌یری این موارد را یک به یک نقل کرده و تحلیل





درباره حسین (ع). در این میان سه مدخل فرعی: عزیمت امام به کوفه، واقعه کربلا و حوادث پس از کربلا بیشترین حجم مقاله (مجموعاً ۷ ستون) را به خود اختصاص داده‌اند.

والی‌یری درباره دوران کودکی و نوجوانی امام به مطالبی مشابه آنچه در همین عنوان در مدخل امام حسن (ع) آورده - نظیر احادیث پیامبر (ص) درباره فضایل حسنین یا روایاتی که حاکی از محبت خاص پیامبر (ص) به ایشان است - اشاره می‌کند. وی بر آن است که «حسین (ع) در دوران جوانی مطیع اوامر پدرش بود و از اینرو در جنگ‌های او شرکت جست.» نیز می‌افزاید: «حسین (ع) حتی پس از شهادت پدرش علی (ع) نیز شخصیتی برجسته و مهم محسوب نمی‌شد.»

او درباره موضع‌گیری امام درباره صلح امام حسن و بر خورد وی با معاویه می‌نویسد: «او به دلیل واگذاری قدرت به معاویه به برادرش حسن (ع) خرده می‌گرفت، حال آنکه خود در قبال دریافت یک یا دو میلیون درهم به این امر گردن نهاد. به علاوه او به دفعات به دمشق رفت تا هدایای بیشتری دریافت کند.» البته او متذکر می‌شود با اینکه شیعیان چندین بار از او درخواست قیام کردند، او همواره پاسخ می‌داد: «تا زمانی که این مرد (معاویه) زنده است، هیچ کاری نمی‌توان کرد... دستور این است که همواره در فکر انتقام باشید ولی چیزی در این باره نگویید.» نویسنده معتقد است امام تنها در دو موضع جسورانه عمل کرد: «نخست هنگامی که در برابر بعضی امویان قدرتمند از حق خود برای دارایی‌هایش دفاع کرد؛ دیگری زمانی که معاویه از مقامات بلندپایه حکومتی خواست تا پسرش یزید را به عنوان ولیعهد معرفی کنند.»

در مقاله آمده است: «والی مدینه، ولید بن عقبه، به دستور یزید، امام حسین و عبدالله بن زبیر را جهت بیعت با خلیفه به قصر خودش دعوت کرد.» مؤلف مدعی شده که «امام پس از حضور در قصر ولید، مرگ معاویه را تسلیم گفت و از او خواست تا بیعت را به بهانه رسمی شدن آن و برگزاری در ملأ عام، به تأخیر اندازد... حسین (ع) دو روز بیعت را به تأخیر انداخت و به همراه خانواده‌اش شبانه و از بیراهه به مکه گریخت.» به نوشته او عبدالله بن زبیر پیش از حسین (ع) به مکه گریخته بود.

در بخشی از مقاله، منابع قیام حسین (ع) و میزان اعتبار و توثیق آنها مطرح می‌شود. مؤلف پس از اشاره به نسخ خطی منسوب به ابومخنف - که از نظر او معتبر است -، به دو منبع اصلی تاریخ قیام حسین، تاریخ طبری و انساب الاشراف بلاذری، اشاره می‌کند که البته روایات این دو کتاب نیز اکثراً به نقل از ابومخنف است. از نظر او در منابع دیگر نظیر اخبار الطوال دینوری، تاریخ یعقوبی و... اطلاعات بیشتری نمی‌توان یافت. نظر وی درباره منابع شیعی آن است که از قرن هفتم به بعد در نقل حوادث کربلا اغراق کرده‌اند و افسانه‌هایی چون نبردهای تن به تن که در آن دهها نفر از دشمنان

حسین (ع) کشته می‌شوند، به داستان افزوده‌اند.

والی‌یری در ادامه درباره دعوت شیعیان کوفه از امام و اعزام مسلم بن عقیل می‌نویسد: «متأسفانه، او یک نامه خوش‌بینانه درباره مأموریت تبلیغی خویش نوشت و ظاهراً به همراه هزاران امضای پیمان اهالی کوفه برای حسین (ع) فرستاد.» وی تأکید دارد حسین (ع) علیرغم هشدار کسانی چون محمد بن حنفیه، عبدالله بن عمر و عبدالله بن عباس و حتی عبدالله بن زبیر دست از تصمیم خود نکشید و به جای حج، عمره را به جای آورد و با استفاده از غیبت حاکم، مکه را به قصد کوفه ترک کرد.

مؤلف وقایع را - از زمان خروج امام از مکه تا توقف در صحرائ کربلا - به تفصیل بیان می‌کند. در اینجا تنها برخی موارد مورد توجه نویسنده که در نقل رایج غالباً ذکر نمی‌شود؛ طرح می‌گردد:

۱. «در تنعیم، در نزدیکی مکه، حسین (ع) با کاروانی که از یمن می‌آید، برخورد کرد و پنداشت که حق دارد بار آن را که از آن خلیفه بود، مصادره کند.»

۲. «در تعبیه هنگامی که حسین (ع) برای نخستین بار خبر اعدام مسلم و هانی بن عروه را در کوفه شنید، تصمیم به بازگشت گرفت ولی فرزندان عقیل که مصمم بودند یا تقاض برادرشان را بگیرند یا اینکه به همان سرنوشت دچار شوند، باعث شدند او نظرش را تغییر دهد.»

۳. «خر وقتی دید حسین (ع) به راه خود ادامه می‌دهد، جرأت نکرد با او مخالفت کند ولی به او پیشنهاد کرد که مسیری را ادامه دهد که به کوفه یا مدینه منتهی نشود و برای یزید یا ابن زیاد نامه بنویسد.»

مؤلف همچنین حادثه کربلا را به‌طور مشروح بیان کرده است. به نوشته او جنگ از سپیده‌دم تا بعد از ظهر به طول انجامید و طی آن دو طرف به جنگ‌های تن به تن و تک و پاتک‌های مقطعی مشغول بودند و گاهی نیز جنگ را متوقف می‌کردند. در نهایت سربازان ابن زیاد از مقاومت گروه مقابل به‌سسته آمده و تصمیم گرفتند که غائله را ختم کنند. بنابراین به بازماندگان آنان هجوم آورده و ایشان را قتل عام نمودند. وی با نظریه لامنس که بر اساس روایتی از ابومخنف مدعی شده است: «واقعه کربلا به جای چند هفته، فقط حمله‌ای بود که کمتر از یک ساعت طول کشیده است.» مخالفت کرده و این نوع برخورد گزینشی با مجموعه روایات تاریخی را به نقد می‌کشد. والی‌یری صحنه‌های واقعه را از آغاز تا پایان جزء به جزء نقل می‌کند؛ صحنه‌هایی نظیر: سخنرانی امام در صبح دم و گفتگو با سپاهیان کوفه؛ برگزاری نماز جماعت ظهر؛ کشته شدن یاران امام؛ به میدان رفتن خانواده امام و شهادت آنان؛ نحوه شهادت عباس برادر امام؛ جنگ تن به تن امام؛ کشته شدن طفل شیرخوار امام؛ شهادت امام؛ غارت خیمه‌ها و زیورآلات زنان. علاوه بر این فهرستی از صحنه‌های جزئی واقعه را با ذکر منابع آورده است. به عقیده مؤلف کسی که سر از بدن امام جدا کرد، ستان بن انس بن

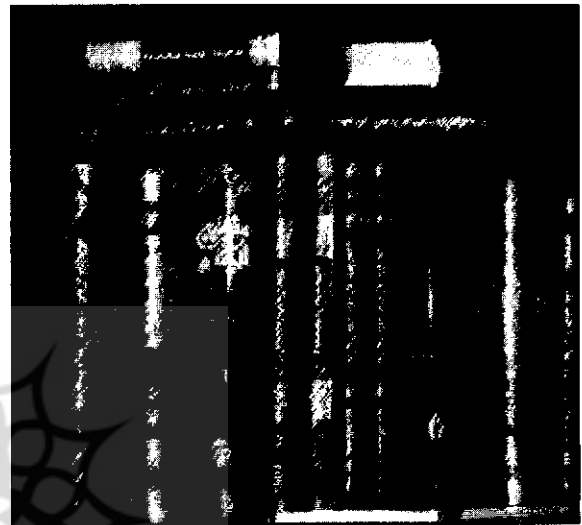
بجای ماند. خون از زیر سنگهای شام و... جاری شد. خون از دیوارها تراوش کرد... خاک کربلا که جبرئیل به محمد داده بود و نزد ام سلمه نگهداری می‌شد، در شب پس از شهادت حسین(ع) به خون مبدل گشت و ام سلمه فهمید که فاجعه رخ داده و اولین کسی بود که در مدینه شیون سر داد.

- معجزات سر بریده: «سر بوی خوشی داشت. راهبی که تحت تأثیر نور ساطع شده از آن قرار گرفته بود، مقدار زیادی بول داد تا اجازه دهند آنرا در خانه خود نگهداری کنند. در طول شب سر سخن گفت و روز بعد راهب اسلام آورد؛ درهم‌هایی که او پرداخته بود، به سنگ مبدل شدند... سر آیات قرآن رامی خواند؛ هنگام انتقال سر بریده، آیاتی از قرآن بر دیوارهای مسیر نقش می‌بست که همان آیاتی بود که ۳۰۰ سال قبل از اسلام روی دیوار کلیسای روم نقش بسته بود.»

- عاقبت کسانی که به حسین توهین کردند یا به او آسیب رساندند: «همه کسانی که به حسین ستم کردند، دیر یا زود به مصیبتی دچار شدند از جمله: قتل، کوری، امراض گوناگون (نظیر: جذام، عطش سیری ناپذیر، دستانی همچون چوب خشک در تابستان و نمناک در زمستان)، مرگ ناشی از سوختگی، نیش خوردن از عقرب، از دست دادن نیرو و بنیه جسمی، تنگدستی و بدبختی... همچنین کسانی که متعلقات حسین را دزدیدند، مجازات شدند... اشیاء دزدیده شده نیز به اشیاء غیر قابل استفاده یا بی ارزش مبدل شدند.»

- خصوصیات فراطبیعی امام حسین(ع): «پیشانی او چنان سفید بود که مردم راه خود را به سوی او در تاریکی می‌یافتند. او قادر بود بیماری را شفادهد، او دست مردی را که در مناسک طواف کعبه زنی را لمس کرده و به آرنج او چسبیده بود، از او جدا کرد. حال آنکه فقها تصمیم گرفته بودند که دست او را قطع کنند. قوای خارق‌العاده حسین او را قادر می‌ساخت که عطش تمامی یارانش را با قرار دادن زبان خویش در دهان ایشان رفع کند و به ایشان در روز جنگ، غذایی آسمانی بدهد.»

در ادامه آیاتی از قرآن ذکر می‌شود که شیعیان آنها را درباره امام حسین(ع) تاویل می‌کنند؛ او به‌عنوان نمونه آیه ۱۵ سوره احقاف را مثال می‌زند که در آن سخن از زن بارداری است که بچه‌اش را با رنج حمل می‌کند و با درد او را به دنیا می‌آورد. این آیه کنایه از فاطمه(س) تفسیر شده است. آن زمانی که حسین(ع) را باردار بود و هنگامی که از پیامبر(ص) شنید که خدا به خاطر تقدیر نوه‌اش برای او پیام تسلیت فرستاده است، بسیار ناراحت و غم‌زده شد. همچنین مؤلف به حروف مقطعه «کهیصص» در ابتدای سوره مریم اشاره کرده، می‌نویسد: «خدا برای زکریا چنین شرح داده است: کاف، کربلا؛ هاء، هلاک‌العترة؛ یاء، یزید؛ عین، عطشه؛ صاد، صبره.» او تأکید دارد که این تفسیر صرفاً بخشی از حکایتی است که در آن شباهت‌های شگفت‌انگیزی



عمرو نخعی بود که این کار را به دستور خولی بن یزید اصبحی انجام داد. یکی از نکاتی که والی یری متذکر شده، اغراق در تعداد کشته‌شدگان لشکر ابن زیاد است. وی در این باره می‌نویسد: «شهدای کربلا از لشکر امام، ۷۲ نفر بودند که ۱۷ نفر آنها از بنی هاشم بودند و تنها ۸۸ نفر از سربازان ابن زیاد در میدان جنگ کشته شدند.» در اینجا وی به تعارض در گزارش‌های اعیان‌الشیعه در این خصوص اشاره می‌کند.

والی یری شخصیت اسطوره‌ای امام حسین(ع) را ناشی از دو باور متمایز درباره او می‌داند. اولی برگرفته از اعتقاد ویژه‌ای است که درباره اهل بیت وجود دارد که برای ایشان پیش از خلقت انسان، وجودی از نور قائل‌اند. در باور دوم، حسین(ع) شخصیتی تاریخی است که هاله‌ای از معجزات و کرامات منسوب به وی، او را به شخصیتی فرابشری تبدیل کرده است. مؤلف بر آن است که باور نخست توسط افراطیان شیعه (غلات) در اسلام ترویج و گسترش یافته است. وی همچنین به مجموعه‌ای از معجزات و کرامات که در باور دوم به امام حسین(ع) نسبت داده شده به همراه منابعی که این معجزات در آنها نقل شده، می‌پردازد، که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- معجزات مربوط به تولد و کودکی حسین: «تولد در سه ماهگی و شباهت به عیسی ویحیی؛ نزول هزار فرشته بر پیامبر(ص) هنگام تولد او؛ و این که جبرئیل پیام تبریک و تسلیت خدا را به همراه مشتی از خاک کربلا برای پیامبر آورد.»

- معجزات مرتبط با وفات وی: «هنگامی که حسین در میدان جنگ بر زمین افتاد، هوا تاریک شد و ستارگان نمایان شدند... آسمان قرمز گردید و خون باریدن گرفت که رذش بر سر و لباس افرادی که حتی تا خراسان می‌زیستند؛



میان حسین (ع) نوه پیامبر و یحیی پسر زکریا بیان شده است و از اینرو به نقل کامل حکایت پرداخته است.

مؤلف در بخش پایانی مقاله به طرح قضاوت هاو دیدگاه‌های افراد و گرایش‌های مختلف درباره قیام حسین (ع) می‌پردازد. به اعتقاد وی، با اینکه امویان کوشیدند حسین (ع) را به‌عنوان شورشی طغیانگر علیه خلیفه معرفی کنند و بدین وسیله بر عمل یزید سرپوش بگذارند، اما این امر با اعتراض مخالفان رژیم اموی و دیگر مسلمانان مواجه شد. والی‌یری قضاوت اهل تسنن و تشیع را درباره امام حسین (ع) و قیامش تا حدود زیادی مشترک برمی‌شمارد و در تحلیل این موضوع می‌نویسد: «طرز تلقی بسیار مثبت اهل سنت احتمالاً به شدت تحت تأثیر گزارش‌های دلخراش ابومخنف است که یامستقیماً یا با اسناد کوتاه عمدتاً از کوفیان نقل کرده است؛ کسانی که از برخورد خویش با نوه پیامبر اظهار ندامت کرده بودند.» بدین ترتیب مؤلف بر آن است که مجموعه روایات ابومخنف که مبنای گزارش‌های تاریخ‌نویسان بعدی نیز بوده، مملو از احساسات کوفیان و حاکی از جانب‌داری از علویان است.

والی‌یری درباره دیدگاه شیعیان درباره امام حسین (ع) و قیام او بحث مبسوطی ارائه می‌دهد و علاوه بر گزارش ویژگی‌های شخصیتی امام، تحلیل فرقه‌های شیعی را از قیام کربلا بیان می‌دارد. او می‌نویسد: «بنابر اعتقاد شیعیان که امام همه چیز را اعم از گذشته، حال و آینده می‌داند، این مطلب تلویحاً حاصل می‌شود که حسین (ع) می‌دانست چه سرنوشتی در انتظار او و یارانش است... این روایت که توسط خدا مختار شد بین قربانی شدن و پیروزی (با کمک فرشتگان) یکی را برگزیند، به اقدام شجاعانه وی ارزش بیشتری می‌بخشد؛ چرا که او این عمل را به میل خود و داوطلبانه انجام داد و بنابراین کار او ارزش بیشتری می‌یابد.»

وی در پاسخ به این پرسش که حسین (ع) خود موجب قربانی شدن خود گشته، چنین می‌گوید: «متون شیعی موضع روشنی در این باره دارند: حسین (ع) مال و جان خود را در راه خدا داد تا «دین جدش محمد را احیا کند»، «آن را نجات دهد» و «آن را از فساد و تباهی ناشی از اعمال یزید، حفظ کند»... در واقع او می‌خواست ضرورت قیام را در برابر حاکمان فاسق به مردم پیام‌رسان و بطور خلاصه او خود را الگویی برای جامعه مسلمان قرار داد.» این نظریه که امام قربانی شد تا با خون خود گناهان مسلمانان را بشوید و ایشان را نجات دهد، از نظر مؤلف با عقاید شیعی ناسازگار بوده و اذعان می‌دارد که ردی از این مطلب در متون نیافته است.

نویسنده در نهایت، شخصیت امام حسین (ع) را از دیدگاه دو اسلام‌شناس غربی «ولهاوزن» و «لامنس» بیان کرده و تحلیل ایشان را با توجه به منابعی که در دسترس داشته‌اند، کم‌ارزش برشمرده است. او می‌گوید: «ولهاوزن، با بهره‌گیری از شم نکته‌سنج خود از وقایع تاریخی، تصویری

ظریف از موقعیت و افراد ترسیم می‌کند؛ او منکر آن است که حسین برای عمل جسورانه خویش انگیزه‌های مذهبی داشته است و به کار او صرفاً به‌عنوان تلاشی برای دستیابی به قدرت بیشتر می‌نگرد. لامنس نیز که میانه خوبی با دشمنان و رقبای یزید ندارد، او را شخصی عاقبت‌نیندیش برشمرده است.»

نقد والی‌یری بر دیدگاه این دو آن است که با توجه به سخنان و گفتگوهای امام حسین (ع) در موقعیت مختلف و برداشت کلی از واقعه کربلا، می‌توان گفت که قیام حسین (ع) ایدئولوژیک بوده و هدف او برقراری نظامی بوده است که اسلام حقیقی را تحقق بخشد و از این رو است که تا پایان کار بر اهداف خویش پایدار می‌ماند.

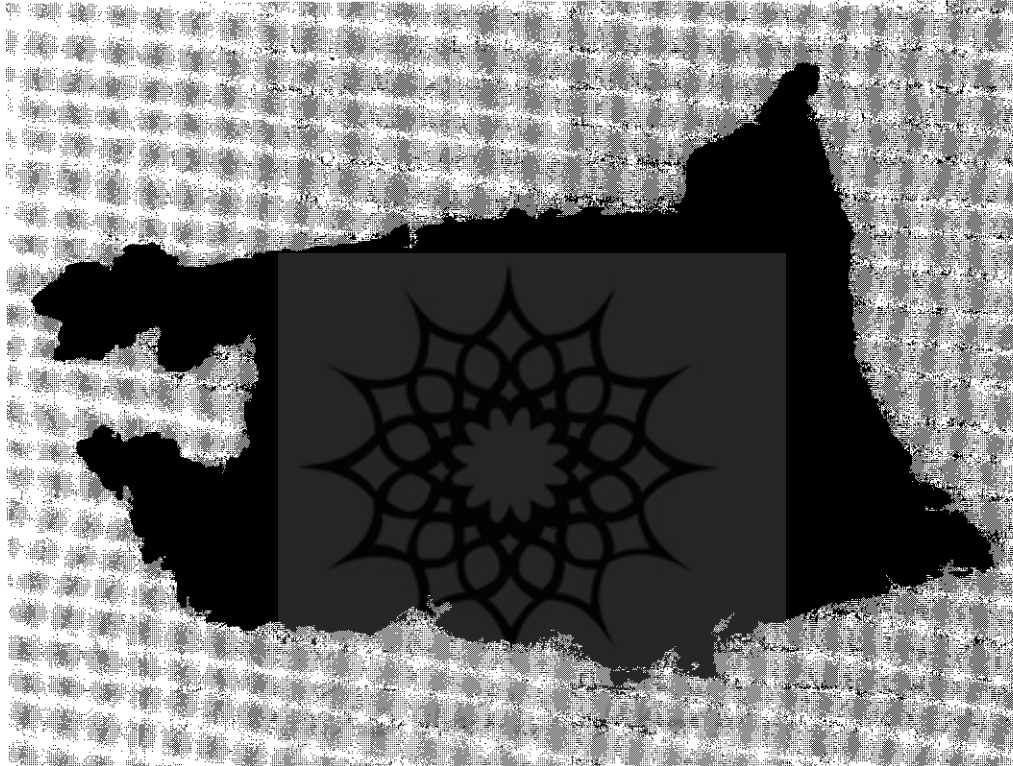
#### امام سجاد (ع)

مؤلف در این مقاله، پس از بحث درباره سال ولادت امام سجاد (میان سالهای ۳۳، ۳۶، ۳۷، ۳۸ و پس از دهه ۴۰)، از مادر وی یاد می‌کند که در منابع عامه‌کنیزی از سجستان و در منابع شیعی دختر یزدگرد سوم (شهربانو) معرفی شده است که از اینرو شیعیان به او لقب «ابن‌الخیرتین» داده‌اند. زیرا پدرش قریشی و مادرش فارس است و قریش برگزیده عرب و فارس برگزیده عجم است. در ادامه نیز از ۳ پسر امام حسین (ع) که نام آنها علی بوده، سخن می‌گوید.

کلبرگ، در بحث از نقش امام سجاد در حادثه کربلا، صرفاً به بیماری و عدم حضور او در جنگ اشاره کرده و این امر را موجب زنده ماندن او در واقعه کربلا برشمرده است. وی می‌گوید: «هنگامی که شمر بن ذی‌الجوشن او را یافت، دستور به قتل وی داد ولی عمر بن سعد این حکم را الفا کرد.» در کوفه نیز عبیدالله بن زیاد او را وادار به عذرخواهی کرد ولی با درخواست عمه‌اش زینب، از او درگذشت. او درباره حضور امام در دمشق و خطبه‌گزایش در مجلس یزید و علت بازگرداندن اسیران به مدینه، سخنی نگفته است.

کلبرگ به القاب ویژه حضرت، چون: زین‌العابدین، سجاد، زکی و ذوالفئنتان (فردی که اعضای سجده او در اثر کثرت سجود پینه بسته است) که حاکی از زندگی زاهدانه وی در مدینه است، اشاره دارد و او را در زمره «بکائون» برشمرده است؛ چه در مدت چندین سال متمادی برای پدرش و دیگر شهیدان کربلا می‌گریست. وی معتقد است: صدقه‌های پنهانی او در نیمه‌های شب نیز تنها پس از وفات آن حضرت بر مردم آشکار گردید و علامات به جای مانده بر شانه‌های او حکایت از حمل بارهای سنگین غذا برای فقرا داشت.

در این مقاله، رابطه امام با امویان به‌عنوان حاکمان و زیربان به‌عنوان مخالفان حکومت، رابطه‌ای آرام و بی‌تنش توصیف شده است؛ به‌گونه‌ای



## رتال جامع علوم انسانی

به کعبه نزدیک شود ولی جمعیت مزاحم به امام اجازه دادند به راحتی و بدون هیچ مشکلی، به کعبه برسد. گفته شده فرزاد در این حال شعری را در مدح امام بدیهه‌سرایبی کرده که موجب خشم هشام گشته است. « و سپس می‌افزاید: «این شعر با اینکه در متون متعددی آمده است، ولی در صحت اکثر یا تمام آن تردید است.»

از نظر کلبرگ، امامت امام سجاد، در بدو امر مورد پذیرش شیعیان قرار نگرفت و اکثراً به محمدبن حنفیه که امامت او از جانب مختار ترویج می‌شد، روی آوردند. هر چند نویسندگان شیعی بر اطلاع محمد حنفیه از امامت امام زین‌العابدین اصرار دارند. او در این باره به حکایتی تاریخی استناد جسته است: «... آن دو با تبعیت از حکم حجرالاسود موافقت کردند. سنگ به‌طور معجزه‌آمیزی سخن گفت و از حقانیت علی (بن حسین) دفاع کرد.» وی بر آن است که اسماعیلیان امامت ابن حنفیه را به عنوان پوششی برای حفظ هویت علی بن حسین به عنوان امام حقیقی برشمرده‌اند و گروهی از کیسانیه نیز وی را پس از مرگ ابن حنفیه به عنوان امام پذیرفتند و اکثر زیدیان

که پس از جنگ حرّه، با اینکه مسلم بن عقبه، مستقیماً از یزید دستور داشت تا از سران و بزرگان مدینه بیعت بگیرد، سوگند بیعت با خلیفه را بر امام تحمیل نکرد. برعکس، امام نسبت به ارتباط با شورشیان مدینه که علیه خلافت یزید قیام کرده بودند، از خود رغبتی نشان نداد و در مقابل به خانواده مروان بن حکم پناه داد.

مؤلف، به نقل از منابع غیرشیعی، وجود نوعی رابطه دوستانه میان امام و دو خلیفه اموی (مروان و عبدالملک) را توجیه‌کننده این قضایا می‌داند و می‌گوید: «اولی، به او پول قرض داد تا با آن کنیزانی خریداری کند و پیش از مرگش وصیت کرد که وارثانش حق ندارند آن را پس بگیرند؛ و دومی نیز از او درباره‌ی نامه‌ای که از امپراطور بیزانس دریافت کرده بود، مشورت خواست.» البته او به موضع‌گیری متضاد منابع شیعی نیز اشاره می‌کند که این‌گونه عملکرد امام را مبتنی بر تقیه برشمرده‌اند.

نویسنده مقاله، داستان معروف حج هشام بن عبدالملک و شعر فرزاد در مدح امام را چنین ذکر می‌کند: «او (هشام) بدلیل از دحام جمعیت نتوانست

او را امام به حساب نیاوردند.

موضوع دیگر مطرح در مقاله، رابطه امام و مختار است. نویسنده این رابطه را سخت متزلزل و بی‌ثبات توصیف کرده است. از نظر او، این موضوع موجب موضع‌گیری‌های ضد و نقیض نویسندگان شیعی نسبت به مختار شده است. از جمله در گزارش‌های ایشان آمده است: «مختار مشتاق حمایت امام بود و تنها پس از پاسخ رد وی، به ابن حنفیه روی آورد... امام به‌طور علنی او را لعن کرد... مختار با فرستادن سر عبیدالله بن زیاد برای امام، موردستایش امام قرار گرفت...»

در پایان نیز، کلبرگ آثار باقی‌مانده و منسوب به امام را آورده است: ۱- الصحيفة فی الزهد در کافی ۱۷/۸-۱۴/۲- رساله‌الحقوق در خصال صدوق/۵۲۹-۵۳۶ و تحف‌العقول ۱۸۴-۱۹۵؛ ۳- الصحيفة‌السجادیة که بییش از بیست شروع دارد؛ ۴- مناجات خمس عشرة.

### امام باقر (ع)

در ابتدای مقاله، درباره باقر لقب مشهور امام و معنای آن و نیز ملاقات جابر بن عبدالله انصاری با امام باقر و رساندن سلام پیامبر به او سخن گفته شده است. در این مقاله آمده است که امام باقر نیز چون پدرش سیاست سکوت را در پیش گرفت و از حمایت شورش‌ها و قیام‌هایی که علیه امویان صورت می‌گرفت، خودداری کرد. هر چند روابط او با امویان نیز نامطمئن و متزلزل بود. وی به نقل از کلینی آورده است که امام باقر به دلیل پیروزی در مناظره‌ای که با نافع از موالی عمر بن خطاب داشت، محبوبیت فراوانی نزد خلیفه، هشام بن عبدالملک به‌دست آورد. اما از سوی دیگر چندین بار توسط هشام به دمشق فراخوانده و زندانی شد. در مقابل، عمر بن عبدالعزیز با او برخورد مناسبی داشت و باغ فدک را پس از ملاقاتی که با وی در مدینه داشت به علویان بازگرداند. کلبرگ در توصیف رابطه امام با عمر بن عبدالعزیز چنین آورده است: «طبق گزارشی شیعی امام باقر پیش‌بینی کرد که عمر خلیفه خواهد شد و به بهترین وجه عدالت را خواهد گسترد و هنگامی که می‌میرد، مردم بسیار به او احترام خواهند گذاشت. هنگام مرگ او، ساکنان زمین برای او اشک‌خواهند ریخت (چرا که او حاکم خوبی بوده است) حال آن‌که ساکنان آسمان او را لعنت خواهند کرد (زیرا در هر صورت او اموی غاصبی بوده است)». کلبرگ همچنین به مدحی ویژه درباره یکی از پسران عبدالملک به نام سعد (یا سعید) الخیر، اشاره دارد که در آن وی را به اهل بیت پیامبر (ص) منتسب نموده است (أموی مناهل البیت).

از نظر کلبرگ، باقر اولین کسی است که نظریات اساسی شیعه اثنا عشری را تنظیم نموده است، «مهمترین این نظریات، اعتقاد به انتقال امامت از یک امام به امام بعد است که از طریق فرمان الهی و نص صریح

پیامبر بیان شده است (در آن نام‌های امامان را برشمرده است) و سپس به وسیله هرامام، جانشین تعیین می‌شود.» وی در ادامه به موارد دیگری از اعتقادات اساسی امامیه که توسط امام باقر پایه‌ریزی شده، اشاره می‌کند؛ از جمله: «اینکه همه امامان از اولاد نسبی فاطمه (س) هستند؛ و آنان دارای علمی ویژه‌اند که انسان‌های عادی از آن عاجزند؛ و دارای قدرت روحانی مطلق و قدرت سیاسی مطلق هستند.» مؤلف همچنین معتقد است نظریه براهت از دشمنان که در رأس آنها اکثریت صحابه، به‌ویژه سه خلیفه اول قرار می‌گیرند، از سوی آن حضرت پی‌ریزی شده است و نیز نظریه وجوب تقیه در شرایط خاص به منظور حفظ زندگی فرد، مورد تأیید وی بوده است.

در این مقاله - برخلاف آنچه در شیعه مشهور است - امام باقر مخالف استنباط شخصی و اجتهاد معرفی شده است؛ به عبارت دیگر امام، شاگرد مطلوب را کسی می‌دانست که بدون پرسش دریافت کند، روایت کند و به آرای امام وفادار بماند. نویسنده معتقد است از همین روست که افرادی چون زرارة بن اعین یا محمد بن الطیار مورد سرزنش امام قرار می‌گرفتند زیرا در مواضعی به جای اکتفا به اقوال امام، دیدگاه‌های مستقل خود را ارائه می‌کردند. کلبرگ این شواهد را از کافی (کلینی)، رجال (کشی) و محاسن (برقی) استخراج نموده است.

نکته دیگری که کلبرگ به آن اشاره دارد، موضع امام نسبت به ابوحنیفه از دیدگاه شیعه و سنی است؛ «حدیثی امامی از ملاقات بین امام باقر و ابوحنیفه خبر می‌دهد که ابوحنیفه در آن چهره‌ای منفی دارد و در مقابل، منابع حنفی، ابوحنیفه را به‌عنوان یکی از شاگردان امام توصیف می‌کنند که امام به‌طور ستایش آمیزی، پیش‌گویی می‌کند او سنت پیامبر را احیا خواهد کرد.»

در این مقاله از ادعای غلات مبنی بر ارتباط با امام و آموختن معارف دینی از وی سخن به میان آمده است. در این میان از افرادی نظیر ابومنصور عجلی، مغیره بن سعید عجلی و جابر بن یزید جعفی که ظاهراً چهره مرکزی در جمع غلات کوفه بوده، نام برده شده و کتابی شامل آموزه‌های امام باقر درباره چگونگی خلق عالم، نزول ارواح به این جهان و موضوعاتی از این قبیل معرفی شده است. البته کلبرگ ادعان دارد که شیعه از طریق انتشار اقوال ضدغلاتی امام باقر، در برابر تلاش غلات برای اختصاص دادن امام به فرقه خود، واکنش نشان داده است.

نویسنده مقاله از اختلافات قابل توجه درباره تاریخ و چگونگی وفات امام باقر یاد می‌کند؛ اینکه او توسط پسر عمیش زید بن حسن مسموم گشت یا این هشام بود که به او سم داد؛ در گزارش‌های تاریخی دیگری نیز وفات امام پس از مرگ هشام ذکر شده است. نویسنده بخشی از این تناقضات در گزارش‌های تاریخی را ناشی از اشتباه مورخان بین امام و هم‌نام وی، محمد بن علی بن عبدالله بن عباس (متوفی بین ۱۲۴ و ۱۲۶ هـ. ق) دانسته

است.

واقعاً نمرده است بلکه غایب شده و به عنوان مهدی باز خواهد گشت. این افراد ناووسیه نام گرفتند. برخی از پیروان امام جعفر صادق، (که بعدها شمیطیه نامیده شدند) برادر کوچک موسی، محمد را مورد توجه قرار دادند.»

هاجسن در پایان می‌نویسد: «گفته‌های متعددی که معرف آموزه‌های شیعی است و همچنین ادعیه و مواعظی به امام جعفر صادق منسوب است. نیز اهل سنت و شیعه کتاب‌های متعددی به او نسبت داده‌اند که به موضوعاتی چون پیشگویی، سحر و کیمیا می‌پردازد و مشهورترین آنها علم اسرار آمیز جفر است که آینده را پیش‌بینی می‌کند. مؤلف در صحت و اعتبار این انتساب‌ها تردید کرده است.

#### امام موسی کاظم (ع)

مؤلف پس از ذکر القاب امام و تاریخ‌های متفاوت نقل شده برای ولادت وی، اذعان می‌دارد که از سال‌های نخستین زندگی امام کاظم اطلاع زیادی در دست نیست. با وجود این در این مقاله نیز همانند مقاله قبلی، مسئله اختلاف بر سر جانشینی امام جعفر صادق و انشعاب‌های ناشی از آن در جامعه شیعی به تفصیل بررسی شده است. کلببرگ مؤلف این مقاله آورده است، «بنابر اعتقاد اثناعشریه، امام کاظم از سوی پدرش به عنوان امام بعدی منصوب شده بود و امامت وی از سوی برخی شیعیان چون هشام بن حکم، هدایت و حمایت می‌شد.» همچنین وی گزارش می‌کند که «منصور خلیفه عباسی، پس از دریافت خبر درگذشت امام صادق، جاسوسانی را برای کشف هویت جانشین او و کشتن وی به مدینه فرستاد. اما با پیش‌بینی امام صادق، نقشه خلیفه نقش بر آب شد. چرا که او پیش از وقتش، پنج نفر (از جمله منصور و موسی کاظم (ع)) را به عنوان جانشین نصب کرده بود.»

کلببرگ معتقد است: «امام موسی کاظم به سیاست سکوت وفادار ماند... و همچون پدرش به نشر عقاید و اصول شیعه در میان شاگردانش پرداخت. اما این بار، او از آزار و اذیت عباسیان در امان نماند.» بار نخست به دستور مهدی خلیفه عباسی، بازداشت و به زندان بغداد برده شد و پس از مدت کوتاهی به دلیل خوابی که مهدی دیده بود، آزاد شد. بار دیگر پس از سرکوبی قیام حسین بن علی صاحب فحج، در خطر قرار گرفت. با اینکه از قیام حمایت نکرد ولی از جانب هادی، خلیفه عباسی، متهم به برانگیختن قیام شد. خلیفه نقشه قتل او را در سر داشت که از این کار منصرف شد و کمی بعد درگذشت. دعای معروف جوشن، به شکرانه این رهایی، از امام به‌جا مانده است. هارون الرشید، به مدت نه سال از خلافتش، امام کاظم را زندانی کرده بود. نویسنده مقاله نقل قول‌های متفاوتی را درباره علت این موضوع ذکر می‌کند؛ از جمله اینکه قربانی توطئه دربار عباسیان شد یا اینکه به خلیفه خبر رسید که او در این قیام علیه او دست داشته است.

درباره چگونگی شهادت امام نیز، اقوال متفاوتی در مقاله ذکر می‌شود:

#### امام صادق (ع)

در این مقاله، مؤلف پس از معرفی گذرای امام صادق و پدر و مادر وی به جایگاه سیاسی و اجتماعی امام در مدینه می‌پردازد. حاجسن معتقد است امام جعفر صادق با اکثریت غیر شیعی رابطه نسبتاً خوبی داشته است: «چنان‌که وی در اسنادهای اهل سنت با احترام یاد می‌شود» و «ممکن است برخی از پیروان شیعی وی نیز در سلسله سندهای اهل سنت یافت شود.» همچنین در حلقه درسی وی کسانی چون ابوحنیفه، مالک بن انس، واصل بن عطا و شخصیت‌های سرشناس دیگر حضور داشته‌اند. وی به‌طور قطع تأکید دارد که امام رهبر شیعی بوده و در نخستین سال‌های دوران امامت وی، دیدگاه‌های شاخص و متمایز شیعی در فقه ظهور کرده است و شاید بتوان گفت که او فقه شیعی را پایه‌گذاری کرده است.

از نظر حاجسن، امام صادق در طی شورشهایی که پس از مرگ ولید رخ داد، بی‌طرف ماند و با اینکه شیعیان کوفه از وی درخواست حمایت و حتی کاندیداتوری خلافت را داشتند، امتناع نمود. حتی در زمان قیام شیعی محمدنفس زکیه در حجاز (۱۴۵ هـ)، منفعلانه برخورد کرد. شاید از این روایت که منصور وی را به حال خود رها کرده و متعرض او نمی‌شد.

در این مقاله به شکل‌گیری حلقه‌ای از متفکران و اندیشمندان به گرد امام اشاره شده است. از جمله این اندیشمندان، ابوالخطاب، سرکرده غلات بود که البته به دلیل نظرات افراطی، از جانب امام طرد شد؛ همچنین هشام بن حکم و محمدبن نعمان که هر دو از حکمای برجسته آن دوران بودند، در زمره این افراد قرار دارند.

از جمله نکاتی که در این مقاله بر آن تأکید شده است، اختلافاتی است که پس از درگذشت امام درباره جانشین آن حضرت در میان شیعیان وی رخ داد و تلاشی که امام در جهت انسجام فرقه تشیع مصروف داشته بود، بدین جهت بی‌ثمر ماند و منجر به انشعابات تاریخی در بطن تشیع گردید. حاجسن در این باره آورده است: «او بزرگترین پسرش اسماعیل را که از همسر علوی‌اش فاطمه بود، برای جانشینی خود در نظر گرفته بود. اما اسماعیل پیش از پدرش درگذشت... جمعیت قابل ملاحظه‌ای بر امامت اسماعیل باقی ماندند و برخی همچنان اصرار داشتند که او نمرده و صرفاً مخفی شده است. دیگران بر آن شدند که امامت به پسر او محمدبن اسماعیل منتقل شده است و اینها هسته مرکزی اسماعیلیه را تشکیل دادند... بیشتر پیروان امام جعفر صادق، عبدالله، برادر اسماعیل و بزرگترین پسر بازمانده را قبول کردند... اما عبدالله بدون هیچ پسری، پس از چند هفته از دنیا رفت. اکثریت بلافاصله امام موسی کاظم را پذیرفتند که مادرش کنیزی به‌نام حمیده بود. این افراد، بعدها به شیعیان اثناعشری معروف شدند... شمار اندکی مدعی شدند که جعفر

ایشان حاضر نشدند پولهایی که در اختیار داشتند به امام رضا تحویل دهند، به این دلیل که موسی (ع) آخرین امام بوده است. این افراد عبارت بودند از: منصور بن یونس، علی بن حمزه بطائنی (که ۳۰/۰۰۰ دینار در اختیار داشت)، زیاد بن مروان القندی (که ۷۰/۰۰۰ دینار داشت) و عثمان بن عیسی رواسی (که علاوه بر مبالغ زیادی پول، پنج یا شش کنیز داشت که با پول امام خریداری کرده بود).

به اعتقاد نویسنده، غلات شیعه رابطه خوبی با امام داشتند. چنان که «مفضل بن عمر خطابی جعفی در زندان با امام ملاقات کرده و از او پرستاری کرده است و امام موسی کاظم او را پدر دوم خویش خوانده است.» در پایان مقاله آمده است: «اعقاب امام کاظم که بانام «موسوی» معروفاند، امروزه ۷۰٪ سادات ایران را تشکیل می دهند.»

#### امام رضا(ع)

این مقاله با ذکر اقوال گوناگون درباره تاریخ ولادت و وفات و معرفی پدر و مادر امام آغاز می شود. لویس مؤلف مقاله، نقش سیاسی امام در دوران حیاتش را بسیار محدود برشمرده است و نخستین حضور سیاسی امام را زمانی می داند که مأمون خلیفه عباسی، امام را برای ولایت عهدی خود به مرواحضار کرد؛ چرا که پیش از آن امام به زهد و تقوا مشهور بود و تنها به آموزش اشتغال داشت. با وجود این، مؤلف بخش اصلی مقاله خود را به موضوع ولایت عهدی امام و وقایع مرتبط با آن اختصاص داده و از ذکر باقی جنبه های زندگانی امام نظیر: مقام علمی وی، نقش امام در حدیث و مناظرات او در حضور مأمون غافل مانده است.

مؤلف درباره موضع امام درباره ولایت عهدی مأمون می نویسد: «منابع مؤید بی میلی امام رضا برای پذیرش این منصب هستند و امام صرفاً به خاطر اصرار و پافشاری خلیفه تسلیم شد.» مؤلف چنین ادامه می دهد که: «به هنگام بیعت با ولیعهد جدید، امام لباس سبز بر تن کرده بود و به دستور خلیفه، پرچم ها و لباس های مخصوص سبز جایگزین لباس های سیاه عباسیان شد.» ولی در عین حال، او ارتباط بین رنگ سبز و علویان را بعید دانسته و اذعان می دارد که مفهوم این تغییر رنگ برای او روشن نیست.

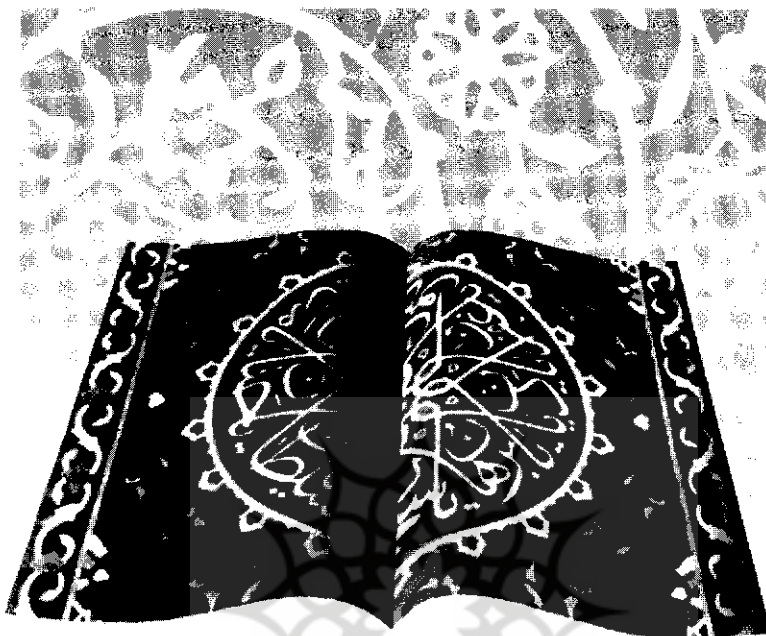
مؤلف بیان می کند که انتصاب امام به عنوان ولیعهد، واکنش های متضادی را برانگیخت. از سویی امرای عباسی، بنا به دستور از مناطق تحت امر خود، بیعت گرفتند و از سوی دیگر شیعیان به دلیل بدست آوردن این پیروزی نسبی، شادمان شدند. اما این موضوع خشم اهل بغداد را که اینک خلافت از آنجا به مرو منتقل شده بود، برانگیخت و از این رو با پیوستن به نیروهای نظامی و انتخاب یکی از شاهزادگان عباسی به عنوان خلیفه، دست به شورش زدند. لویس معتقد است که امام رضا در این یاره کاملاً بی طرف بود؛ چرا که او عواقب شورش در عراق را به مأمون گوشزد نمود.

نظیر آنکه به دستور رشید، به وی خرما می سموم خوراندند یا آنکه او را در یک قالی پیچیدند. مؤلف مقاله تأکید دارد که: «طبری وفات امام را بدون توضیحی ذکر کرده که تلویحاً حاکی از آن است که او به علل طبیعی درگذشته است. این دیدگاه غالب نویسندگان اهل سنت است که مورد توجه محققان جدید نیز واقع شده است.» کلبرگ بر آن است که آنچه درباره چگونگی شهادت امام کاظم در منابع شیعی آمده، متکلمان امامی را با یک مسئله مواجه ساخته است: «اگر امام از همه چیز آگاه بوده و پیشاپیش زمان و چگونگی مرگش رامی دانسته و با این حال هیچ کاری برای جلوگیری از مرگ خود نکرده است، آیا می توان گفت که او ضعیف بر قتل خود بوده است (معین علی نفسه)؟» بدین ترتیب وی سعی دارد تا مسئله علم امام در کلام شیعی را به چالش کشانده و با نقل پاسخ های مجمل و اغلب غیر قانع کننده از جانب شیعیان این مسئله رامبهم جلوه دهد. یکی از پاسخ ها این است که: «امام موسی کاظم از وفات قریب الوقوع خویش آگاه بود و پیش بینی های لازم را انجام داد، اما در لحظه قطعی، خداوند او را در این مسئله دچار فراموشی کرد (القی علی قلبه النسیان)» در روایتی دیگر آمده است که «امام تاریخ دقیق مرگش را می دانست و باوجود علم به آن نوشیدن زهر را پذیرفت.» و در تفسیری دیگر این گونه آمده که «امام آزاد نبود که انتخاب کند و تحت فشار خرمای مسموم را خورد.»

کلبرگ با ذکر برخی اقوال شیعی، درگذشت امام کاظم را نتیجه مستقیم رفتار اشتباه جامعه اش برمی شمارد. او به نقل از کلینی (کافی) آورده است: «خدا از شیعیان عصبانی بود و به امام گفت که بین قربانی شدن خود برای حفظ شیعیان و یا کشته شدن شیعیانش یکی را برگزیند؛ امام نیز خواست تا به قیمت زندگی خود، از شیعیان حمایت کند. مجلسی (مرآة العقول) نیز از خشم خدا نسبت به شیعه به دلیل عدم فرمانبرداری و وفاداری نسبت به امام سخن می گوید که منجر به ترک تقیه گردید و این خود موجب شد که هویت امام برای عموم آشکار شود و در نهایت امام دستگیر گردد.»

مؤلف همچنین به زهد امام، قدرت او در استدلال و جدل که در نتیجه آن عده ای از مسیحیان به اسلام گرویدند اشاره کرده، کرامات و خوارق عادات منسوب به امام از جمله سخن گفتن در گهواره، آشنا بودن به زبان پرندگان و حیوانات و تمام زبان های انسان ها را ذکر می کند.

یکی دیگر از موضوعات مطرح در مقاله، انشعاباتی است که با درگذشت امام در میان شیعه ایجاد گردید. گروهی مرگ او را انکار کردند و معتقد شدند که او به غیبت رفته و به عنوان مهدی باز خواهد گشت. این افراد از آن جهت که امامت را در این امام تمام شده تلقی کردند، واقفه نامیده شدند و بر سرانتقال امامت به فرزندش به مجادله برخاستند. مؤلف مقاله بر آن است که این انشعاب احتمالاً به دلیل ملاحظات مالی و نه دینی روی داده است. چرا که امام وکلای در مناطق مختلف داشت و پس از وفات امام، برخی از



اوست. وی در این باره آورده: «پسر و جانشین امام، علی بن محمد در سال ۲۱۲ از یک زن صیغه‌ای به دنیا آمد و ازدواج او با ام‌فضل فرزندی در پی نداشت.»

در پایان مؤلف، به نقل از برخی منابع شیعی، خلیفه معتصم یا ام‌فضل را مسموم کننده و قاتل امام معرفی می‌کند و در ادامه، تکذیب شیخ مفید نسبت به این مطلب را مطرح می‌نماید.

#### امام هادی (ع)

این مقاله برخلاف مشهور، ذیل مدخل عسکری آمده است. البته نویسنده در ابتدای مقاله، به دو لقب دیگر امام نقی و هادی نیز اشاره کرده است. لوئیس دو نقل را درباره مادر امام آورده است: «طبق برخی منابع، ام‌فضل دختر مأمون، و بر مبنای نظری دیگر، او یک کنیز مغربی به نام سمانه یا سوسن بوده است.» البته وی تأکید می‌کند که نظر دوم بر اساس تاریخ‌نگاری‌ها محتمل‌تر است زیرا «از دواج بین امام محمد بن علی و ام‌فضل اگر چه در ۲۰۲ منعقد شد ولی تا ۲۱۵ رسمیت نداشت» حال آنکه تاریخ ولادت امام هادی بنا بر نقل‌های تاریخی، سال ۲۱۲ یا ۲۱۳ بوده است. ضمن اینکه به گفته وی، برخی روایات شیعی تصریح کرده‌اند که ام‌فضل همسر خود را مسموم کرده و امام بدون فرزندی از او وفات یافته است.

مؤلف به مسئله امامت امام هادی در ایام کودکی اشاره کرده، می‌گوید: «در آثار مذهبی شیعی، بازتاب‌ها و مسائل عقیدتی ناشی از این امر یافت می‌شود.» از نظر نگارنده مقاله، امام تا پیش از به خلافت رسیدن متوکل

مؤلف بر آن است که مأمون پس از درک شرایط، به تدریج سیاست‌های خود را تغییر داد. او به بغداد سفر کرد و در طول سفر، فضل بن سهل و امام رضا هر دو درگذشتند. نویسنده علت درگذشت امام را به نقل از مورخان شیعه، مسمومیت ذکر کرده ولی با نقلی از طبری در شهادت امام تردید نموده و وفات امام را ناشی از بیماری برمی‌شمارد.

#### امام جواد (ع)

مادلونگ در ابتدای مقاله، مادر امام جواد را زنی با نام سبیکه معرفی می‌کند که از خانواده ماریه قبطیه بوده است. همچنین امام را از نظر ظاهری فردی سیاهپوست برشمرده، می‌نویسد: «تصمیم مأمون بر ازدواج دخترش ام‌فضل با امام از این جهت مورد نکوهش قرار گرفته است.» از نکاتی که مؤلف به آن پرداخته، موضوع امامت امام در خردسالی است؛ چه امام جواد هنگام وفات پدر تنها هفت سال داشت. او تأکید می‌کند که این موضوع سبب پیدایش اختلافات جدی در میان شیعیان شد. وی در این باره می‌نویسد: «گروهی از شیعیان، برادر امام رضا، احمد بن موسی را به عنوان جانشین برگزیدند. برخی دیگر، به واقعه پیوستند که امام موسی کاظم را آخرین امام قلمداد کرده و منتظر بازگشتش بودند. البته پیش از این نیز گروهی با انتصاب امام رضا به ولایت عهدی خلیفه، به خاطر برخی دلایل فرصت‌طلبانه، از امامت او برگشته و به اجتماعات زیدی و سنی روی کرده بودند.» مطلب دیگری که توجه مادلونگ را به خود جلب کرده، شکایت ام‌فضل نزد مأمون از تبعیض قائل شدن امام نسبت به کنیزانش در برابر



دلیل بر اشتباه خود در حمایت از امامت او دانسته و به برادرش جعفر رجوع کردند. شهرستانی در الملل و النحل دوازده گروه مختلف العقیده را برشمرده و مسعودی در مروج الذهب از بیست فرقه سخن گفته است.»

### امام زمان (عج)

مؤلف مقاله، ترهار، نخست به مسئله جانشینی امام حسن عسکری پرداخته و انشعابات اعتقادی که در این باب روی داد، بسیار متعدد برمی شمارد. وی در این باره می نویسد: «شهرستانی (الملل و النحل) یازده فرقه، نوبختی (فرق الشیعه) چهارده، سعدالقمی (المقامات و الفرق) پانزده و مسعودی (مروج الذهب) بیش از بیست گروه مختلف را برشمرده است.» او سپس نظریات و اعتقادات این فرق شیعی را در پنج گروه دسته بندی می نماید: «دسته اول کسانی که مدعی شدند امام حسن عسکری جانشینی ندارد و امامت به او متوقف شده است. دسته دوم، معتقد شدند که او از آغاز، امام حقیقی نبوده زیرا امام دهم، پسرش محمد را به عنوان جانشین خود معرفی کرده بود. بر طبق ادعای دسته سوم، امام حسن عسکری، خود مهدی و قائم آل محمد بوده است. حال آنکه گروه چهارم بر آن بودند که جانشین او، برادر کوچک ترش جعفر است. در نهایت کسانی بودند که اعتقاد داشتند، امام یازدهم پسری از خود به جای گذاشته که جانشین او شود.» و سپس می افزاید: «نظریه اخیر، عقیده رسمی شیعه دوازده امامی گردید.»

در ادامه مؤلف به اختلافات موجود (در منابعی که نظر اخیر را باور دارند) درباره سال تولد مهدی اشاره دارد: «اکثر منابع اتفاق نظر دارند که این پسر در ۱۵ شعبان به دنیا آمد. اما درباره سال تولد او اختلاف است. برخی منابع ولادت او را در ۲۵۵، بعضی در ۲۵۸ و طبق منابعی دیگر، پس از وفات پدرش دانسته اند.»

از نظر نویسنده، شیعیان اثناعشری تأکید دارند که «امام حسن عسکری به دلیل آزار و اذیت های شدید عباسیان، تا آنجا که ممکن بود این واقعیت را که پسری برای جانشینی دارد، مخفی کرده، آن را فقط برای تعداد کمی از پیروان برگزیده خود، آشکار کرده بود.» وی همچنین توجیه غیبت مهدی بلافاصله پس از فوت پدر را همین موضوع برشمرده است.

ترهار، از چهار نماینده امام در دوران غیبت صغری نام می برد و وظیفه ایشان را دریافت خمس و نیز رساندن توقیعات امام به پیروان حضرت می داند. وی درباره غیبت کبری چنین آورده است: «با مرگ آخرین نایب (۱۵ شعبان ۳۲۹) دوره غیبت کبری آغاز شد که تا ظهور مجدد امام دوازدهم در آخرالزمان به طول خواهد انجامید.»

نکته دیگری که نظر مؤلف را به خود جلب کرده، مسئله نام امام و نهی شیعیان از به کارگیری آن است. به همین جهت در منابع شیعی هیچ

زندگی آرامی در مدینه داشت ولی با حکومت متوکل و اجرای سیاست های ضد علوی او، امام نیز دچار محدودیت هایی شد. خصوصاً هنگامی که گزارش هایی مبنی بر فتنه انگیزی امام به خلیفه رسید و از این پس امام در سامرا تحت نظارت مأموران حکومتی قرار داشت.

لویس معتقد است امام به مرگ طبیعی از دنیا رفته است و صرفاً روایتی شیعی سبب وفات او را مسمومیت بدست خلیفه دانسته است. وی تأکید دارد که «در هر صورت مقاتل الطالبيين ابوالفرج اصفهانی، نام امام را در میان شهدای علوی ذکر نکرده است.»

مؤلف درباره مسائل مرتبط با جانشینی امام، چنین می نویسد: «شیعیان دوازده امامی پسرش امام حسن عسکری را... به عنوان امام یازدهم شناخته اند. گروه دیگر، معتقدند که پسر او محمد، که پیش از او درگذشت، امام غایب بوده است.» گروه دوم به عقیده مؤلف، پیروان شخصی به نام محمد بن نصیر نمیری بوده اند که خود را باب و پیام آور امام علی النقی معرفی می کرد. او پایه گذار فرقه نصیری به گشت.

### امام حسن عسکری (ع)

مقاله با ذکر القاب امام حسن عسکری و معرفی پدر و مادر او که کنیزی به نام حدیث یا سوسن یا سلیل بوده، آغاز می شود. الیاش اشاره می کند که امام حسن عسکری در کودکی با پدرش به سامرا منتقل شد و در آنجا زندگی کرد و زندگی در آنجا به حبس و انزوا کامل او انجامید. چنان که لقب وی، عسکری نیز، مشتق از عسکر سامراست.

مؤلف مقاله با استناد به روایات شیعی، بر آن است که پیش از امام حسن عسکری، برادرش ابوجعفر محمد به عنوان امام تعیین شده بود و به دلیل درگذشت او، امام دهم وی را به عنوان امام بعدی معرفی کرد. وی می افزاید: «مرگ برادر امام حسن، در زمان حیات پدرشان و ادعای امامت جعفر (برادر امام حسن) موجب پیدایش اختلاف عقیده ای فرقه ای گردید مبنی بر اینکه امام دهم، آخرین امام بوده است.»

الیاش فوت امام را ناشی از بیماری بیان کرده، می گوید: «نویسندگان متقدم شیعی (همچون کلینی و مفید) قائل اند که در طی یک هفته بیماری امام، معتمد خلیفه عباسی، طبیبان و خدمت کاران خود را برای پرستاری و مراقبت از امام فرستاد و در این مدت تعداد قابل توجهی از سرشناسان و بزرگان علوی و عباسی از وی دیدار کردند.» در واقع الیاش، مسمومیت امام و دست داشتن خلیفه در آن را به منابع متأخر شیعی نسبت می دهد. مؤلف به اختلاف عقیده ای گسترده درباره جانشین امام حسن اشاره کرده می نویسد: «بعضی معتقدند که او یک فرزند به نام محمد به جا گذاشت؛ دیگران او را انکار کردند. متأخران در این باره هم رأی نیستند: برخی معتقدند امام حسن عسکری، قائم بوده و باز خواهد گشت؛ برخی دیگر وفات او را بدون فرزند،

۹- مارشال هاجسن، فرقه اسماعیلیه، ترجمه، مقدمه و حواشی از فریدون بدره‌ای، تهران ۱۳۶۹.  
 ۱۰- این کتاب ۱۹۹۲ در لیدن چاپ شده است.  
 ۱۱- اتان کلبرگ، کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او، ترجمه سیدعلی قرائی و رسول جعفریان، قم ۱۳۷۱.

12- *Belief and law in Imami shi'ism*, Aldershot 1991.

۱۳- مشخصات ترجمه اثر مشهور او یعنی:

*The succession to Muhammad: a study of the early caliphate*

از این قرار است:

- ویلفرد مادلونگ، جانشینی حضرت محمد: پژوهشی پیرامون خلافت نخستین، ترجمه احمدنمایی و دیگران، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۷.

در این کتاب شرح حال و کتاب‌شناسی آثار پروفیسور مادلونگ آمده است. بنگرید به: صفحات نه - ده، ۵۴۱-۵۴۴.

۱۴- نیز برای آگاهی تفصیلی از تألیفات و زندگی علمی وی از ۱۹۵۹ تا ۲۰۰۲ بنگرید به:

*Culture and Memory in medieval Islam*, (ed.)

*Culture and Memory in medieval*

۱۵- عنوان اصلی (هلندی) رساله دکتری و کتاب وی عبارت است از:

*Volgeling en erfgenaam van the profheet: De denkwereld*

*Van shaykh Ahmad sirhindi (1564-1624)*, leiden 1989.

شیخ احمد سرهندی معروف به مجدد هزاره دوم، عالم دینی و عارف بلند آوازه هندی در قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی صاحب تألیفات متعدد که مشهورترین آنها مکتوبات به فارسی است. این کتاب مجموعه نامه‌هایی است که وی به شاگردان و افراد دیگر در باب اسلام نظری و عملی نگاشته است.

روایتی برای اشاره به امام دوازدهم، بانام خاص وی، یافت نمی‌شود. بلکه عناوینی چون الحجة، صاحب‌الأمر یا صاحب‌الزمان، مهدی و قائم (آل محمد) دیده می‌شود. از نگاه مؤلف، دو عنوان صاحب‌الامر و صاحب‌الزمان بیانگر سلطه امام بر جامعه شیعی و عنوان قائم نشان‌دهنده عملکرد آخرالزمانی اوست.

پی نوشت‌ها:

1- *Encyclopaedia of Islam*, new edition (EI2)

۲- معرفی چاپ نخست دایرة‌المعارف اسلام با اندکی تغییر از منبع زیر اخذ شده است: مرتضی اسعدی، «دایرة‌المعارف‌های اسلامی در زبان انگلیسی»، در کیهان فرهنگی، سال سیزدهم، خرداد و تیر ۷۵، شماره ۱۳۷.

۳- این مطلب از پایگاه اینترنتی زیر گرفته شده است:

[www.brill.nl](http://www.brill.nl)

۴- منابع مورد استفاده در نگارش این قسمت عبارت‌اند از:

- نجیب عقیقی، المستشرقون، قاهره، دارالمعارف ائی‌تای، ج ۱، ص ۴۶۶، ج ۲، ص ۱۴۳-۱۴۵.

- لوح فشرده Index Islamicus از محصولات انتشارات بریل در لیدن هلند.

- توضیحات مترجم (؟) درباره مؤلف کتاب در:

مارشال هاجسن، فرقه اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ۱۳۶۹.

- پایگاه‌های اینترنتی:

[www.princeton.edu](http://www.princeton.edu)

[www.press.uchicago.edu](http://www.press.uchicago.edu)

[www.bornesandnoble.com](http://www.bornesandnoble.com)

[www.oberlin.edu](http://www.oberlin.edu)

[www.leidenuniv.nl](http://www.leidenuniv.nl)

[www.niwi.knaw.nl](http://www.niwi.knaw.nl)

[www.iis.ac.uk](http://www.iis.ac.uk)

[www.brill.nl](http://www.brill.nl)

5- *Twelver shi'ism as seen though the Hadith tradition*

6- "The Ithna 'ashari-shil'i juristic theory of political and legal authority", in *studies Islamica*, 29(1969), pp17-30.

7- "Misconception regarding the juridical status of the Iranian ulama", in *International Journal of Middle*, (1979) i01 , 52-9pp ,

۸- این کتاب ۱۹۷۴ در شیکاگو به چاپ رسیده است.

